

بازار ل بازار

بولتن تحلیلی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

شماره پنجم - خرداد ماه ۱۴۰۲



احمد تشکینی

رشد و رونق تولید از طریق هفت راهبرد



فاطمه رجبی

رشد تولید با شناخت موانع سرمایه گذاری



صالح اکبر موسوی

مدل مفهومی تولید



زورار پرمه

رشد اقتصادی و سهم مولفه بهره‌وری

رشد تولید

شناخت موانع و ارائه راهکارها



علیرضا شامسی

تحولات تولید و الزامات اساسی رشد



حسن نایب / نوآمندی های صنایع تولیدی ایران



حسن ولی یبکی / واکاوی رشد اقتصادی با تاکید بر سرمایه گذاری در دهه ۱۳۹۰



داود چراغی / رشد تولید از ناحیه اصلاح روند دریافت مجوز کسب و کارها



میزگرد تأثیر بهبود شاخص های محیط کسب و کار بر رشد اقتصادی



رشد و رونق تولید از طریق هفت راهبرد



احمد تشکینی (دانشیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

برنامه های راهبرد ششم: بهبود فضای کسب و کار مرتبط با بخش صنعت، معدن و تجارت
اصلاح فرآیندها و دستورالعمل ها و حذف یا کاهش زمان صدور مجوزها
تفقیح قوانین و مقررات مانع تولید
شفاف سازی و ایجاد دسترسی آزاد به اطلاعات برای عموم ذینفعان و مبارزه با فساد اداری
ایجاد و توسعه سامانه های جامع اطلاعاتی
تدوین و ابلاغ سیاست های صنعتی، معدنی و تجاری
اجرای رتبه بندی و تکریم سرمایه گذاران و کارآفرینان برتر

برنامه های راهبرد هفتم: تأمین منابع مالی و توسعه سرمایه گذاری
جذب سرمایه گذاری با هدف ساخت داخل کالاهای منتخب وارداتی دارای قابلیت صادرات

بکارگیری ابزارهای نوین تامین مالی با هدف جذب نقدینگی سرگردان
بستر سازی و حمایت از راه اندازی هلدینگ های سرمایه گذاری استانی و رشته ای
با همکاری سازمان بورس
سرمایه گذاری و اجرای طرح های توسعه ای در مناطق محروم و کمتر برخوردار

الزامات رونق تولید در محیط کلان اقتصاد کشور

۱- سیاست های ارزی

کاهش نوسانات نرخ ارز و پوشش ریسک نوسان آن برای سرمایه گذاران
تأمین ارز مواد اولیه، تجهیزات و ماشین آلات وارداتی مورد نیاز تولید
امکان استفاده از واردات بدون انتقال ارز

۲- سیاست های پولی و بانکی

تأمین منابع مالی مورد نیاز
افزایش تسهیلات اعطایی به بخش صنعت
افزایش سرمایه صندوق های حمایتی و بیمه ای

۳- سیاست های مالیاتی

اصلاح و اعمال تخفیف های مالیاتی

۴- اصلاح قوانین و مقررات (مانند قانون مالیات، عوارض، تجاری و گمرکی، کار، استاندارد و...)

۵- مشارکت بخش خصوصی در سیاست گذاری

۶- تسهیل امور گمرکی

تحقق رشد و رونق تولید در اقتصاد ایران نیازمند تدوین راهبردها و نیز برنامه ها و پروژه های اجرایی است. تحقق این امر نیز، منوط به الزاماتی در محیط کلان اقتصاد کشور است که اصلاحاتی در سیاست های پولی، بانکی، مالیاتی، گمرکی، مقرراتی و نیز سیاست های مرتبط با جلب مشارکت بخش خصوصی را شامل می شود. در این یادداشت، هفت راهبرد اساسی برای رشد تولید به همراه برنامه ها و پروژه های اجرایی مرتبط با آن، خلاصه و فهرست شده است:

محور اول: توسعه و تعمیق ساخت داخل

محور دوم: توسعه صادرات غیر نفتی

محور سوم: توسعه معادن و صنایع معدنی

محور چهارم: توسعه فناوری و شرکتهای دانش بنیان با تغییر رویکرد از مونتاژ کاری به نوآوری

محور پنجم: مدیریت بازار و ساماندهی لجستیک تجاری

محور ششم: بهبود فضای کسب و کار مرتبط با بخش صنعت، معدن و تجارت

محور هفتم: تأمین منابع مالی و توسعه سرمایه گذاری

برنامه های راهبرد اول: توسعه و تعمیق ساخت داخل

فعال سازی ظرفیت خالی واحدهای تولیدی در راستای رونق تولید
احیای واحدهای راکد قابل بازگشت به چرخه تولید
اجرای پروژه توسعه تولید و تجارت صنایع نساجی و پوشاک
اجرای پروژه ساماندهی و تکمیل محصولات لوازم خانگی
بازسازی و نوسازی صنایع و صنوف تولیدی
توسعه کارآفرینی و تجارت فرش دستباف
توسعه خوشه های صنعتی

برنامه های راهبرد دوم: توسعه صادرات غیر نفتی

افزایش حجم و تنوع محصولات صادراتی (کالا و خدمات) به کشورهای همسایه (۱۵ کشور هدف)
توانمندسازی و توسعه بنگاه های خرد، کوچک و متوسط با هدف افزایش صادرات غیرنفتی
گسترش قراردادهای تهارتی کالا - کالا برای مبادلات کالاهای وارداتی و صادراتی

برنامه های راهبرد سوم: توسعه معادن و صنایع معدنی

تدوین و اجرای نقشه راه معدن و صنایع معدنی
توسعه فعالیت های اکتشافی
احیاء، فعال سازی و توسعه معادن کوچک مقیاس
تکمیل زنجیره ارزش فلزات اساسی (فولاد، مس و آلومینیوم)
تجهیز و ونوسازی معادن کشور

برنامه های راهبرد چهارم: توسعه فناوری و شرکتهای دانش بنیان با تغییر رویکرد از مونتاژ کاری به نوآوری

حمایت از رسوخ فناوری های ایجاد شده توسط شرکت های دانش بنیان به صنعت با همکاری تشکل های مرتبط
حمایت از ایجاد دانش فنی و فناوری تولید محصولات منتخب وارداتی از نظر ارزی با همکاری دانشگاه های توانمند کشور
ایجاد مراکز تحول دیجیتال در مواجهه با انقلاب صنعتی چهارم

برنامه های راهبرد پنجم: مدیریت بازار و ساماندهی لجستیک تجاری

حمایت از توسعه فروشگاهها و بازارهای الکترونیکی کالا و خدمات
تکمیل ارتباطات سامانه جامع تجارت با سایر دستگاهها از جمله گمرک، سازمان بنادر و دریانوردی و حذف ارتباطات کاغذی
حمایت از توسعه فروشگاهها و بازارهای الکترونیکی کالا و خدمات





زورrah پرمه (استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

رشد اقتصادی و سهم مولفه بهروری در اقتصاد ایران



جدول ۲. منابع رشد اقتصادی طی سالهای برنامه سوم الی ششم بر اساس بهروری

منابع رشد	سوم	چهارم	پنجم	ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰)
رشد بهره وری کل عوامل تولید	۱/۱	۰/۵	-۰/۶	۱/۷
رشد نیروی کار	۴/۴	۰/۳	۰/۶	۰/۳
رشد سرمایه		۰/۳	۱/۵	۰/۲
رشد تولید ناخالص داخلی	۵/۵	۳/۸	۱/۵	۲/۱

ماخذ: محاسبات تحقیق بر اساس بانک اطلاعاتی سازمان ملی بهروری

نکات کلیدی:

● ایران به لحاظ رتبه رشد بهروری در جهان دارای جایگاه مناسبی نیست و از همین رو نباید انتظار رشدهای قابل توجه در تولید ناخالص داخلی را از این محل داشت. از این رو، یکی از حلقه های مفقوده اقتصاد ایران در شرایط کمپایی منابع کشور، توجه جدی و همه جانبه به مسئله بهروری است. بر این اساس پیشنهاد می شود رشد بهروری به عنوان مبنایی برای تخصیص اعتبارات به بخش های تولیدی در نظر گرفته شود.

● اتکای ایران به منابع نفتی موجب شده اهمیت بهروری در اقتصاد مغفول واقع شود. این وضعیت حتی در دورانی که کشور با کاهش درآمدهای نفتی (به دلیل تحریم ها) در این حوزه نیز مواجه بوده، عملاً تغییری نکرده است. گفتنی است عربستان با کاهش درآمدهای نفتی (به دلیل کاهش قیمت نفت)، برنامه بلندپروازانه تحول در سرمایه گذاری و بهروری را اجرایی نمود.

● یکی از منابع رشد بهروری، پیشرفت های فناورانه است. نسبت پایین هزینه های تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی، یکی از نشانه های عدم توجه به این عامل است. زمانی که هزینه های تحقیق و توسعه اندک است، نباید انتظار خلق نوآوری و به تبع رشد بهروری داشت. این امر هم در سطح شرکت ها و هم در سطح کشور مصداق دارد.

● یکی دیگر از عوامل مهم رشد بهروری، بخش تجارت (با تاکید بر تولیدات رقابت پذیر داخلی) است. در دهه ۱۳۹۰ هم صادرات غیرنفتی و هم واردات محدود شده بود؛ لذا با کاهش ورود کالاهای سرمایه ای (دروازه ورود نوآوری و فناوری) یکی از موانع رشد بهروری فعال شده بود.

● بهروری سرمایه در اقتصاد ایران بسیار کمتر از بهروری نیروی کار و بهروری کل عوامل تولید است که حاکی از سیاست نادرست در تعیین نرخ تسهیلات و همچنین تعیین اعتبارات تکلیفی در بخش های مختلف اقتصادی و در نتیجه آزارن بودن این نهاد در مقایسه با دیگر نهادها است. مقایسه موجودی سرمایه به تولید ناخالص داخلی بین کشورها؛ حاکی از آن است که این نسبت در سال ۲۰۱۴ برای ایران حدود ۴۰۳ بوده در حالی که میانگین ۱۷۰ کشور جهان حدود ۲۰۴ بوده است که حاکی از بکارگیری سرمایه بیشتر برای یک واحد تولید در مقایسه با جهان است.

۱. در برنامه چهارم توسعه اقتصادی مقرر بود از ۸ درصد رشد اقتصادی، ۲۵ درصد آن از محل رشد بهروری کل عوامل تولید حاصل شود. در برنامه های پنجم و ششم توسعه نیز ارتقاء بهروری به گونه ای پیش بینی شده بود که ۳۵ درصد رشد از محل ارتقای بهروری به دست آید. حال با توجه به اهمیت بهره وری در رشد اقتصادی، مطالعه بهروری عوامل تولید در ایران و کشورهای جهان موید نکات حائز اهمیت زیر است:

✱ بر اساس مطالعه اخیر بانک جهانی، کشورهای دارای بالاترین نرخ رشد بهروری، توانستند سالانه نرخ فقر را ۲/۱ درصد کاهش دهند؛ این در حالی است که در کشورهای دارای کمترین نرخ رشد بهروری، رشد سالانه فقر ۶/۰ درصد بوده است؛

✱ در دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۸ متوسط نرخ رشد بهروری سرمایه در اقتصاد ایران ۲۵۰ درصد بوده و در بین کشور جهان رتبه ایران ۱۰۱ بوده است؛

✱ بر اساس اطلاعات بانک جهانی، نرخ رشد بهروری نیروی کار در ایران به طور متوسط منفی ۲/۰ درصد بوده و ایران در بین ۱۶۷ کشور جهان در رتبه ۱۴۳ قرار داشته است؛

✱ در دوره ۱۹۸۰-۲۰۱۸ به طور متوسط نرخ رشد بهروری کل عوامل ایران منفی ۳۸/۱ درصد بوده که حائز رتبه ۱۱۹ از بین ۱۲۸ کشور جهان است؛

۲. بررسی رشد تولید ناخالص داخلی ایران نشان از عدم تحقق برنامه افزایش بهروری در اقتصاد دارد؛ زیرا بر اساس اطلاعات موجود متوسط رشد GDP در ایران در دوره ۱۹۸۰-۲۰۲۰ حدود ۲ درصد بوده است؛ این در حالی است که در همین دوره متوسط رشد اقتصادی کشور چین ۱۰ درصد بوده است. به عبارتی ایران در بین ۲۵۹ کشور و منطقه در جهان، رتبه ۱۹۵ را در رشد GDP کسب کرده است.

۳. با نگاه بخشی به رشد بهروری، نتایج نشان می دهد که بهروری کل عوامل تولید بجز بخش کشاورزی در سایر بخش ها یا منفی بوده و یا رشد نسبتاً اندکی تجربه شده است. بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش ها، در بهروری کل عوامل و نیروی کار پیشتر بوده است. متوسط رشد بهروری سرمایه، نیروی کار و کل عوامل تولید گروه صنایع و معادن در طول دوره منفی بوده است. کنکاش در اجزاء این گروه نشان می دهد که گروه معدن و آب، برق و گاز رشد مثبت و ساختمان و صنعت رشد منفی داشته اند. نکته مهم این است که بخش خدمات که بیش از نیمی از تولید ناخالص داخلی را به اختصاص می دهد، در بهروری کل عوامل تولید و نیروی کار رشد منفی و در بهروری سرمایه رشد بدون تغییر را تجربه کرده است.

۴. بر اساس مفاد برنامه های توسعه کشور که قرار بوده در برنامه چهارم ۴۴ درصد رشد اقتصادی از ناحیه بهروری کل عوامل تولید باشد عملاً ۱۲ درصد محقق شده است. در برنامه پنجم و ششم که عملاً رشد بهروری کل عوامل تولید منفی بوده است.

جدول ۱. رشد (درصد) شاخص بهره وری کل عوامل تولید، نیروی کار و سرمایه در دوره ۱۳۹۰-۱۴۰۰

شرح	کشاورزی	نفت و گاز	صنایع و معادن	خدمات
کل عوامل تولید	۲.۴۸	۰.۷۸	-۱.۲	-۰.۳۶
نیروی کار	۳.۲	-۱.۱	-۱.۳۵	-۰.۸
سرمایه	۱.۱	۰.۸۳	-۱.۰۷	۰

ماخذ: سازمان ملی بهروری

یکی از حلقه های مفقوده اقتصاد ایران در شرایط کمپایی منابع کشور، توجه جدی و همه جانبه به مسئله بهروری است. بر این اساس پیشنهاد می شود رشد بهروری به عنوان مبنایی برای تخصیص اعتبارات به بخش های تولیدی در نظر گرفته شود.





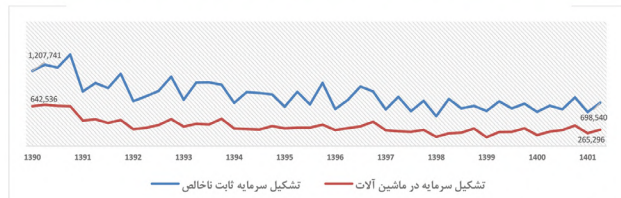
تحولات تولید و الزامات اساسی رشد در کشور



علیرضا غرشاسبی (دانشیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

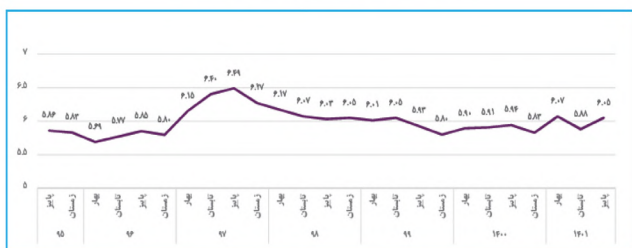


نمودار (۱). روند تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و استهلاک سرمایه ها (به قیمت ثابت میلیارد ریال)



مآخذ: گزارش بانک مرکزی ج.ا.

نمودار (۲). روند شاخص محیط کسب و کار در کشور



مآخذ: مرکز پژوهش های اتاق ایران

هرچند رشد تولید در سالهای اخیر یکی از محورهای ثابت در سیاست گذاری ها بوده است، به نظر می رسد الزاماتی مهمی را باید در ارتباط با آن در نظر داشت. تقویت و توسعه سرمایه گذاری، بسترسازی برای رشد بهره وری، ارتقای رابطه مبادله مبتنی بر تولیدات رقابتی تر و با ارزش افزوده بالاتر و بهبود محیط کسب و کار از مهمترین این موارد به شمار می روند. ذکر این نکته ضروری است که تولید یک فرایند انباشتی و مشارکتی است و از این رو مجموعه سیاست های هماهنگ و دربردارنده مشارکت بخش های مختلف جامعه می تواند زمینه ساز ارتقاء آن را فراهم آورد.

اقتصاد ایران به صورت ویژه از ابتدای دهه ۱۳۹۰ و همزمان با تشدید تحریم ها و محدودیت های بین المللی با کاهش رشد اقتصادی روبرو شده است؛ به نحویکه متوسط رشد تولید ناخالص داخلی در دوره ۱۳۹۰-۱۴۰۱ کمتر از ۲ درصد بوده است. این در حالی است که براساس اهداف قانون برنامه ششم توسعه، متوسط نرخ رشد اقتصادی کشور باید به ۸ درصد می رسید.

بر این اساس، علت تأکید بر بخش های اقتصادی به ویژه حوزه تولید در تعیین شعار سال های اخیر از سوی مقام معظم رهبری بیش از پیش روشن می شود. ایشان در تشریح شعار سال ۱۴۰۲ با عنوان «مهار تورم و رشد تولید» تصریح فرمودند که «از دیگر کارهای اساسی در کنار تولید، موضوع مهم سرمایه گذاری است که باید مسئولان دولتی و بخش خصوصی توجه ویژه ای به آن داشته باشند و این موضوع یکی از خلاهای جدی کشور است که باید با برنامه ریزی زمینه آن فراهم و انجام شود». در تبیین علل عقب ماندگی در حوزه تولید موارد متعددی را می توان برشمرد که در ادامه به برخی از مهمترین آنها اشاره شده است:

تحدید سرمایه گذاری:

براساس تأکیدات اسناد بالادستی و سیاست های کلی نظام در امور «تشویق سرمایه گذاری» ابلاغی در سال ۱۳۸۹، تقویت و حمایت از توسعه سرمایه گذاری، یکی از زمینه های اثرگذار بر تحقق رشد اقتصادی بالا در نظر گرفته شده است که می تواند هم سمت عرضه اقتصاد (با ظرفیت سازی بیشتر) و هم سمت تقاضای اقتصاد (با افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات) را تحریک بخشد. اما این بخش در یک دهه گذشته با کاهش قابل توجهی روبرو شده است. براساس اطلاعات بانک مرکزی ج.ا، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (به قیمت ثابت) از ارقام حدود ۱۲۰ هزار میلیارد تومان» در سال ۱۳۹۰ به کمتر ۷۴ هزار میلیارد تومان» در سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است. علاوه بر این، تشکیل سرمایه ناخالص در بخش ماشین آلات نیز در دوره مورد اشاره به کمتر از نصف کاهش یافته و از ۶۴ هزار میلیارد تومان» در سال ۱۳۹۰ به ۲۶ هزار میلیارد تومان» در سال ۱۴۰۱ رسیده است. در سال های اخیر مقدار سرمایه گذاری در کشور حتی جویاگی میزان استهلاک سرمایه هم نبوده است که این امر آثار سوء قابل توجهی بر بخش تولید به همراه دارد (نمودار ۱).

نقش محدود بهره وری در رشد تولید:

علاوه بر این، براساس آخرین اطلاعات در دسترس سازمان ملی بهره وری برای سال ۱۴۰۰، تنها ۰.۱ واحد درصد از رشد اقتصادی ۴.۴ درصدی اقتصاد مربوط به موجودی سرمایه بوده است و متوسط رشد شاخص بهره وری سرمایه در اقتصاد کشور در دوره ۱۳۹۰-۱۴۰۰ نیز منفی بوده است (متوسط -۰.۱ درصد). این امر تأکیدی است مجدد بر این موضوع که در کنار موضوع کاهش سرمایه گذاری نقش، سرمایه و بهره وری آن نیز نقش محدودی در رشد اقتصادی کشور ایفا کرده است.

تضعیف رابطه مبادله:

براساس آخرین اطلاعات در دسترس، تجارت کشور در ۱۱ ماهه سال ۱۴۰۱ به بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار رسیده است که حدود ۴۹ میلیارد مربوط به صادرات و ۵۴ مربوط به واردات بوده است. در این مدت تراز تجاری کشور حدود ۵ میلیارد دلار کسری نشان می دهد. آنچه توجه ویژه ای را در ارتباط با موضوع صادرات و واردات به خود جلب می کند ارزش واحد صادراتی و وارداتی و به تبع آن رابطه مبادله است. در ۱۱ ماهه ابتدای سال ۱۴۰۱ هر تن کالای صادراتی ۴۳۸ دلار ارزش داشته و این مقدار در مدت مشابه سال قبل از آن ۳۸۶ دلار بوده است. در ۱۱ ماهه ابتدای سال ۱۴۰۱ هر تن کالای وارداتی ۱۵۹۷ دلار ارزش داشته و این مقدار در مدت مشابه سال قبل از آن ۱۲۶۶ دلار بوده است. رابطه مبادله در این بازه زمانی از عدد ۰.۳ به ۰.۲۷ کاهش داشته است. بنابراین، رشد تولیدات از یکسو باید به افزایش سهم ایران در بازارهای صادراتی کمک کند و همزمان بتواند رابطه مبادله را نیز بهبود بخشد.

تحولات محیط کسب و کار:

براساس آخرین اطلاعات پایش مرکز پژوهش های اتاق ایران (با همکاری سایر اتاق های فعالان بخش خصوصی) وضعیت محیط کسب و کار در کشور در چند ساله اخیر وضعیت مناسبی را نشان نمی دهد. محیط کسب و کار درواقع نشان دهنده عواملی است که خارج از اراده فعالان اقتصادی و بنگاه های تولیدی قرار دارد و هزینه انجام کسب و کار را تحت تأثیر قرار می دهد. در پاییز ۱۴۰۱ نسبت به فصل گذشته و نسبت به آخرین فصل از سال گذشته (۱۴۰۰) نامساعدتر شده است. از این رو، کاهش هزینه های کسب و کارها از موضوعات بسیار مهمی است که باید مورد توجه سیاست گذاران در رشد تولید قرار گیرد.

محیط کسب و کار درواقع نشان دهنده عواملی است که خارج از اراده فعالان اقتصادی و بنگاه های تولیدی قرار دارد و هزینه انجام کسب و کار را تحت تأثیر قرار می دهد. در پاییز ۱۴۰۱ نسبت به فصل گذشته و نسبت به آخرین فصل از سال گذشته (۱۴۰۰) نامساعدتر شده است.





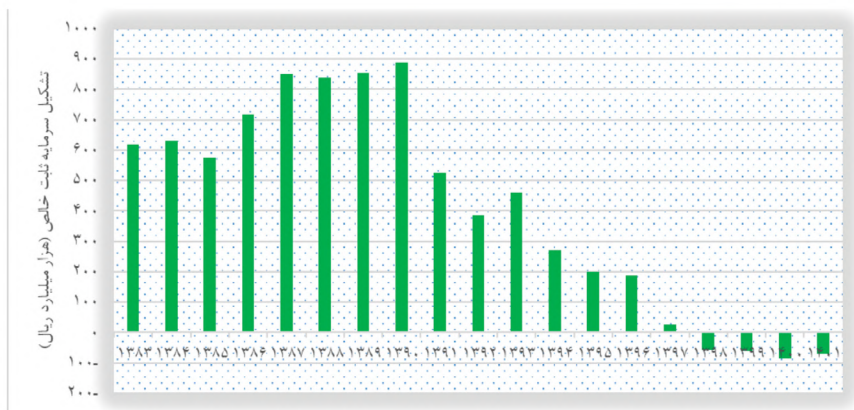
واکوی رشد اقتصادی با تاکید بر سرمایه‌گذاری در دهه ۱۳۹۰



حسن ولی بیگی (استادیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی)

نگاهی به رشد اقتصادی کشور از دهه ۶۰ تاکنون نشان می‌دهد که روند رو به رشد این‌ها در دهه ۹۰ متوقف و به کمترین حد خود در ۶ دهه گذشته رسیده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و درگیری کشور در جنگ تحمیلی متوسط رشد اقتصادی نسبت به دهه قبل افزایش و نسبت به دهه ۴۰ با افت مواجه شد که طبیعی بود. بعد از پایان جنگ و شروع به بازسازی اقتصاد، ثبات نسبی در بازارها و آزادسازی‌های انجام شده در اقتصاد ایران و همچنین سرمایه‌گذاری روی زیرساخت‌های تخریب شده در دوران جنگ، دهه ۷۰ با رشد متوسط اقتصادی ۳٫۴ درصد سپری شد و دهه ۸۰ نیز با سرمایه‌گذاری در توسعه بلوکه‌های تولیدی و صادراتی پتروشیمی کشور و تحرک در صادرات، رشد اقتصادی به ۴٫۶ درصد در این دهه افزایش یافت که بالاتر از سه دهه گذشته بود. اما در دهه ۱۳۹۰ با شروع تحریم‌های اقتصادی و تداوم آن در اواسط دهه به بعد، منجر به آن شد که کشور یک مسیر رشد پایین و متوسط ۰٫۶ درصد را طی نماید که کمترین مقدار در طول ۶۰ سال گذشته است. سوال جدی این است که چه بر سر اقتصاد ایران در این دهه آمد که این نرخ رشد برای کشور رقم خورد.

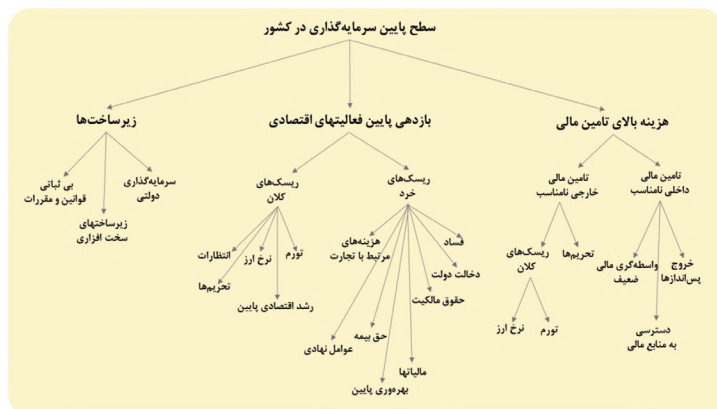
بر اساس ادبیات کلاسیک اقتصادی سرمایه‌گذاری به عنوان یکی از اجزای GDP از مهم‌ترین محرک‌های تامین کننده رشد اقتصادی است. روند سرمایه‌گذاری خالص در دهه ۱۳۹۰ همچنانکه از نمودار ۱ ملاحظه می‌گردد با افت مواجه شده و حتی در چهار آخر منفی (سرمایه‌گذاری حتی کفاف استهلاک را نیز نداده است) شده است. لذا یکی از علل افت رشد اقتصادی در این دهه سرمایه‌گذاری است.



ماخذ: بانک مرکزی (برای سال ۱۴۰۱ رشد استهلاک سرمایه ۲٫۵ درصد در نظر گرفته شده است).
نمودار ۱: روند تشکییل سرمایه ثابت خالص به قیمت ثابت ۱۳۹۰ طی ۱۳۸۳ تا ۱۴۰۱

در این نوشتار سعی شده است محدودیتهای رشد بر اساس چارچوبی که توسط اقتصاددانان ریکاردو هاسمن، دنی رودریک و آندرس ولاسکو ارائه شده تحلیل گردد. آنها چارچوبی تحلیلی ارائه می‌کنند که طیفی از مسائلی را که رشد اقتصادی را محدود می‌کنند شناسایی می‌کند. این چارچوب به سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و متخصصان توسعه اجازه می‌دهد تا سرمایه سیاسی محدود، ظرفیت نهادی و منابع مالی خود را به سمت برداشتن یا کاهش شدیدترین محدودیت‌ها متمرکز کنند و در نتیجه در سطوح بالاتری از رشد اقتصادی قرار گیرند.

به طور خلاصه، بر اساس این چارچوب سطوح پایین سرمایه‌گذاری به سه دلیل هزینه بالای تامین مالی، بازدهی اجتماعی پایین فعالیتهای اقتصادی و زیرساختهای ضعیف شکل می‌گیرد. شکل زیر این عوامل را به تصویر می‌کشد.



در دهه ۱۳۹۰ با شروع تحریم‌های اقتصادی و تداوم آن در اواسط دهه به بعد، منجر به آن شد که کشور یک مسیر رشد پایین و متوسط ۰٫۶ درصد را طی نماید که کمترین مقدار در طول ۶۰ سال گذشته است. سوال جدی این است که چه بر سر اقتصاد ایران در این دهه آمد که این نرخ رشد برای کشور رقم خورد.



شواهد آماری نشان می‌دهد:

۱- تشکیل سرمایه ثابت خالص که در دهه هشتاد روندی صعودی داشت در دومین سال (۱۳۹۱) دهه نود با افت شدید مواجه شد و این روند در طول سال‌های بعد نیز تداوم یافت تا اینکه در سال ۱۳۹۷ به کمترین مقدار مثبت خود رسید و در سه سال بعد (۱۳۹۸-۱۴۰۰) با رشد منفی مواجه شده است. این بدان مفهوم است که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در این سالها جبران استهلاک سرمایه را نکرده است و موجودی سرمایه به عنوان یکی از موتورهای رشد خاموش شده است و به عنوان عامل بازدارنده رشد اقتصادی بلندمدت ایفای نقش می‌کند.

۲- بررسی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به تفکیک ماشین‌آلات و ساختمان نشان می‌دهد که سهم ماشین‌آلات از کل از ۳۵٫۷ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۲۷٫۳ درصد در سال ۱۳۹۹ کاهش و در مقابل سهم ساختمان از ۶۴٫۳ درصد به ۷۲٫۷ درصد افزایش یافته است که حاکی از گرایش سرمایه‌گذاری به سمت ساختمان است و بخش ماشین‌آلات که محرک تولید است با افت سهم مواجه شده است.

۳- سهم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص از GDP به قیمت ثابت ۱۳۹۰ که در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۲۶٫۸ درصد بود به ۱۹٫۱ درصد در سال ۱۳۹۹ و سپس به ۱۶٫۷ درصد در سال ۱۴۰۰ کاهش یافت (متوسط دوره ۲۳ درصد است). در سال ۲۰۲۱ متوسط جهانی این نسبت ۲۷ درصد بوده است. با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری محرکی برای توسعه اقتصادی کشورهاست و نرخ سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده تزریق سرمایه لازم برای حمایت از فرایند توسعه است، این روند نشان می‌دهد که فرایند توسعه در کشور از این جنبه حمایت نمی‌شود.

۴- طی دوره ۱۴۰۰-۱۳۹۱ به طور متوسط حدود ۲۵ درصد از سرمایه‌گذاری‌ها توسط بخش دولتی و ۷۵ درصد نیز توسط بخش خصوصی صورت گرفته است. البته این روند همواره یکنواخت نبوده است بلکه سهم بخش دولتی از ۲۲ درصد در ابتدای دوره به ۱۹ درصد در انتهای دوره رسیده است. در واقع سهم بخش دولتی به عنوان بستر ساز و سرمایه‌گذاری در زیرساختها در طی دوره با کاهش مواجه شده است.

۵- روند موجودی سرمایه حاکمی از نزول آن در سالهای پایانی دهه ۱۳۹۰ است. از سال ۱۳۹۸ به این سو رشد منفی موجودی سرمایه بر اقتصاد کشور سایه افکنده که این امر نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری صورت گرفته نه تنها برای رسیدن به سطح مطلوب انباشت سرمایه نبوده بلکه کفاف سرمایه مستهلک شده نیز ندادده است. پیامد این روند کاهش پتانسیل رشد GDP، رشد درآمد سرانه، رفاه و ظرفیت اشتغال در کشور است. از سوی دیگر کاهش سرمایه‌گذاری بویژه در تحقیق و توسعه و گسترش فعالیتهای اقتصادی (بزرگ شدن مقیاس تولید)، رشد بهره‌وری کل عوامل تولید را تحت الشعاع قرار می‌دهد و بدین ترتیب هر دو عامل تحریک رشد اقتصادی، با چالش رشد مواجه خواهند شد.

محدودیت‌های رشد سرمایه‌گذاری:

۱- شاخص خود تأمین (نسبت پس‌انداز به سرمایه‌گذاری) بالای یک نشان می‌دهد که کمبود پس‌اندازها یک محدودیت نیست. همچنین نرخ سود تسهیلات بسیار پایین‌تر از تورم کشور که باعث نرخ سود تسهیلات حقیقی منفی شود یک محدودیت رشد سرمایه‌گذاری به حساب نماید. بلکه دسترسی دشوار به منابع مالی جهت تأمین مالی بویژه در گروه بنگاههای کوچک و متوسط و نظام واسطه‌گری مالی ضعیف از محدودیت‌های سطح پایین سرمایه‌گذاری در کشور است.

۲- تورم بالا و نوسانات ناگهانی نرخ ارز بدون برگشت پذیری تمام با تحریم‌های بین‌المللی فضای اقتصاد کلان کشور را برای سرمایه‌گذاری خارجی پر ریسک کرده است و سرمایه‌گذاران خارجی ترجیح می‌دهند در کشورهای سرمایه‌گذاری کنند که از ریسک پایینی برخوردارند.

۳- وجود ریسک‌های کلان در اقتصاد کشور بازدهی فعالیتهای اقتصادی کشور را پایین نگه داشته است. تورم بالا، رشد اقتصادی نزدیک به صفر، نوسانات شدید نرخ ارز، هزینه بالای تأمین مواد اولیه ناشی از تحریم‌ها و وجود انتظارات تورمی در بیشتر سالها، موجب شد ضمن نامناسب شدن فضای کسب و کار و کاهش امنیت سرمایه‌گذاری، اقتصاد کشور در دهه نود پیش‌بینی پذیر نباشد و فعالیتهای تولیدی از سطح بازدهی پایینی برخوردار شوند. بدین ترتیب سرمایه‌ها (مازاد پس‌انداز ملی نسبت به سرمایه‌گذاری) بخشی روانه بازارهای موازی (سوداگری مسکن، خودرو و...) با ریسک یکسان و بازدهی بالاتر شوند و بخش دیگر در قالب فرار سرمایه از کشور خارج شوند.

۴- در سطح خرد نیز مداخله دولت در بازار با کاهش سودآوری بنگاهها، نظام مالیاتی و تأمین اجتماعی، بهره‌وری پایین، رواج فساد، هزینه‌های بالای مرتبط با تجارت و عوامل نهادی ضعیف، فضای فعالیتهای تولید کالاها و خدمات را با چالش ریسک بالا مواجه کرده است و با ایجاد هزینه‌های بالا در بنگاهها، بازدهی آنها را کاهش داده است.

۵- در نهایت زیرساختهای فیزیکی ضعیف در کشور، کاهش سرمایه‌گذاری دولتی به عنوان بستر سازی حضور بخش خصوصی در اقتصاد و بی‌ثباتی و شفافیت پایین قوانین و مقررات و تفسیرپذیری آنها، موجبات تضعیف فعالیتهای اقتصادی شده و انگیزه سرمایه‌گذاری در کشور را کاهش داده است.

از سال ۱۳۹۸ به این سو رشد منفی موجودی سرمایه بر اقتصاد کشور سایه افکنده که این امر نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری صورت گرفته نه تنها برای رسیدن به سطح مطلوب انباشت سرمایه نبوده بلکه کفاف سرمایه مستهلک شده نیز ندادده است. پیامد این روند کاهش پتانسیل رشد GDP، رشد درآمد سرانه، رفاه و ظرفیت اشتغال در کشور است.

اهم راهکارهای بهبود وضع موجود:

۱- کنترل تورم به عنوان مهمترین معضل اقتصاد کشور

۲- بخشی از چالشهای اقتصادی کشور بدون تردید به تحریم‌های بین‌المللی مرتبط است و لذا به سرانجام رسیدن مذاکرات برجامی با در نظر گرفتن منافع ملی و پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی مبارزه با پولشویی (FATF) باید در اولویت قرار گیرد.

۳- تثبیت نرخ ارز حقیقی: پیشنهاد می‌شود ضمن اجرایی شدن بند «ت» ماده ۲۰ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه، متوسط نرخ ارز حقیقی در انتهای برنامه هفتم به میزان ۱۰ درصد از مقدار متوسط سال ۱۴۰۱ اختلاف داشته باشد.

۴- به منظور توسعه، تعمیر و نگهداشت زیرساختها، زمینه سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی در توسعه زیرساختها با مشارکت بخش خصوصی مهیا گردد.

۵- بهبود شاخص فضای کسب و کار، شاخص حکمرانی خوب و شاخص رقابت‌پذیری جهانی در برنامه هفتم توسعه درج و نسبت به کاهش سالانه ۱۰ رتبه‌ای هر کدام اقدام گردد.

۶- بهبود بهره‌وری کل عوامل تولید، بهره‌وری کار و سرمایه



وجود ریسک‌های کلان در اقتصاد کشور بازدهی فعالیتهای اقتصادی کشور را پایین نگه داشته است. تورم بالا، رشد اقتصادی نزدیک به صفر، نوسانات شدید نرخ ارز، هزینه بالای تأمین مواد اولیه ناشی از تحریم‌ها و وجود انتظارات تورمی در بیشتر سالها، موجب شد ضمن نامناسب شدن فضای کسب و کار و کاهش امنیت سرمایه‌گذاری، اقتصاد کشور در دهه نود پیش‌بینی پذیر نباشد و فعالیتهای تولیدی از سطح بازدهی پایینی برخوردار شوند.



رشد تولید از ناحیه اصلاح روند دریافت مجوز کسب و کارها

داود چراغی (استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)



مقایسه اجمالی رویه و پیش نیازهای لازم برای دریافت مجوز بسیاری از کسب و کار کوچک و بزرگ در ایران با کسب و کارهای مشابه در سایر کشورها، به خصوص کشورهای توسعه یافته و حتی بیشتر کشورهای همسایه، دو تفاوت اساسی را نشان می دهد.

تفاوت اول در تعداد کسب و کارها است که در کشورهای دیگر با تعداد کارکنان بیشتر و تعداد بسیار بیشتر در مناطق مختلف در دسترس عموم متقاضیان فعالیت در این گونه کسب و کارها می باشد. به گونه ای که در مناطق مختلف بسته به نوع کسب و کار و حداقل استانداردهای نرم افزاری و سخت افزاری لازم برای ایجاد و فعالیت آن حرفه و فن، توسط افراد متقاضی (حقیقی و حقوقی)، پس از طی مراحل مشخص و همسو با پیش فرض های بازارهای رقابتی، کسب و کار خود را ایجاد و فعالیت می نمایند. البته ایجاد کسب و کار جدید پس از دریافت مجوز آسان است، اما آنان در مراحل انجام فعالیت، می باید به همه قوانین و مقررات مرتبط با آن حرفه به خصوص حقوق مصرف کنندگان توجه نمایند.

تفاوت دوم در اختلاف گسترده قیمت خرید و فروش محصولات (کالا و خدمات) در کسب و کارهای ایران نسبت به کسب و کارها در سایر کشورها است. بطوریکه می توان اذعان داشت که در عمده کسب و کارها تولید و عرضه محصولات در ایران، دولت اقدام لازم در جهت شکل گیری رقابت و گسترش آن را برای توجه بیشتر به حق و حقوق مصرف کنندگان را پیگیری نشده و تقریباً در عمده فعالیت های اقتصادی، رفتار حاکم بر بازار در جهت حمایت از رفتار انحصاری است. نوعی که در بسیاری از کسب و کارها در زنجیره تامین و عرضه محصولات (کالا و خدمات)، مصرف کنندگان اگر برای خرید و یا فروش محصولات، مراجعه کنند، به آنها قیمت های متفاوتی با احواف ارائه می نمایند. این امر در کسب و کارهای غیرمجاز (بدون مجوز) شدت بیشتر و همراه با احواف های گسترده ای برای عموم مصرف کننده انجام می گیرد.

در نتیجه برنامه ریزی و سیاست گذاری صورت گرفته برای شکل گیری و فعالیت کسب و کار مختلف در زنجیره تامین و عرضه عمده محصولات در جهت امکان فعالیت تعداد محدود و مشخصی از آن کسب و کار با درآمد و سود انحصاری و به ضرر و زیان متقاضیان شروع کسب و کارها و همچنین مصرف کنندگان است. این امر به تبع چندین سال برنامه ریزی و سیاست گذاری نامناسب کلان اقتصادی در برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت و اقدامات اشتباه در تدوین و بازنگری قوانین، مقررات، رویه ها و دستورالعمل ایجاد و فعالیت کسب و کار گوناگون و در نهایت کارهای نامناسب در فعالیت نهاد متولی ارایه مجوز و مسئول کنترل، نظارت و بازرسی بر فعالان کسب و کار بوجود آمده است. طوری که امروزه اکثر نهادهای متولی کسب و کارهای مختلف، بدنبال محدود نمودن تعداد فعالان کسب و کار و افزایش سود انحصاری فعالان کسب و کار باتوجه به مشاوره از تشکلهای صنفی و دیدگاه و برداشتشان از اقتصاد (که کاملاً متفاوت از علم اقتصاد)، عمل می نمایند. درحالی که باید اقدامات کلان اقتصادی باتوجه اصول علم اقتصاد برای شکل گیری فضا و بستر سالم و رقابتی در همه فرآیندهای زنجیره تامین و عرضه محصولات تحت نظارت و کنترل مجموعه دولت و حاکمیت باتوجه به اهداف مصوب برنامه ها را پیگیری می کردند. در کل نهاد دولتی متولی ایجاد و فعالیت کسب و کار، بجای توجه بر شکل گیری و فعالیت باتوجه به رویه معمول در کشورهای جهان، به ویژه حمایت از حق و حقوق مصرف کنندگان محصولات مربوطه، خواسته و یا ناخواسته از انجام وظیفه اصلی منحرف شده و به سمت تنها حمایت از فعالان کسب و کار اقدام می نمایند.

ضمن آنکه به مرور نهادهای و سازمان های متولی دولتی امور اقتصادی، ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با فعالان دریافت کننده مجوز پیدا نموده اند و به تبع گسترش این ارتباط، به عمد یا غیرعمد اقدامات زیادی برای افزایش سود انحصاری این بنگاه ها و جلوگیری از ورود بنگاه های جدید صورت می گیرد. درحالی که باید همچون سایر کشورها، نهاد و سازمان متولی آن بخش از اقتصاد، اولاً اولویت اول حمایت از حق و حقوق عموم مردم باشد و ثانیاً نظارت، کنترل و بازرسی بیشتری برای جلوگیری از شکل گیری انحصار بکار گیرند. البته همواره نهادهای، سازمان ها و ادارات دولتی امور اقتصادی کشور باید از عامه بنگاه های فعال در چرخه اقتصادی کشور در چارچوب اصول علم اقتصاد تا زمانی که در تضاد با منافع بلندمدت عامه مردم نباشد، حمایت اصولی و اساسی شود.

متأسفانه برنامه ریزی در کسب و کارهای مختلف اقتصادی از جمله خرده فروشان محصولات در چند سال گذشته، در جهت افزایش قدرت انحصاری بنگاه های دارای مجوز، صورت گرفته که موجب افزایش سود انحصاری این فعالیت و در مقابل هم بیکاری روزبروز بیشتر و هم قیمت پرداختی عموم مردم برای دریافت کالاها و خدمات انحصاری آنها بیشتر شده است. این مشکل اساسی به تبع انحراف متولیان دولتی در تدوین و بازنگری قوانین، مقررات، رویه ها و دستورالعمل های ایجاد و فعالیت بنگاه های اقتصادی، بوجود آمده و تا زمانی که حوزه کار و فعالیت نهاد و سازمان متولی دولتی تغییر ننماید، اصلاح نمی شود. به هر صورت لازم است همچون سایر کشورها نهادهای متولی به فعالیت اصلی خود بپردازند و در چرخه ورود و خروج افراد در فعالیت های اقتصادی دخالت نکنند. البته ورود متقاضیان حقیقی و حقوقی در همه کسب و کارها از جمله فعالان بازرگانی، باید باتوجه به آخرین استانداردهای سخت افزاری و نرم افزاری از جمله دارا بودن مدرک تحصیلی و صلاحیت علمی و اخلاقی باشد، اما نباید سقف و حدود مشخصی برای تعداد بنگاه ها در کسب و کارها در هر شهر و منطقه ای در نظر گرفته شود. براین اساس اقدام متولیان دولتی برای محدود کردن تعداد فعالان کسب و کارهای مختلف به ویژه بازرگانی، نشان دهند عدم توجه آنها به اصول علم اقتصاد در برنامه ریزی و سیاست گذاری برای کسب و کار بازرگانی است. در نتیجه لازم است این نهاد در وظایفشان باتوجه به اصول علم اقتصاد رفتار نماید.

متأسفانه آثار این چنین اقداماتی در نهایت موجب ضرر و زیان گسترده بر فعالان مصرف کنندگان و متقاضیان شروع کسب و کارهای اقتصادی کشور شده و در شرایط تشدید تحریم و اهمیت خدمات کسب و کارهای، روزبروز هزینه های بیشتری برای عموم مردم بعنوان مصرف کنندگان کالاها و خدمات وارد می نمایند. درحالی که اگر فضای فعالیت این کسب و کار رقابتی باشد، از دو جهت منافع اقتصادی کشور افزایش خواهد یافت. اول اینکه با شکل گیری رقابت در بازار خرید و فروش محصولات مختلف، باگسترش تعداد فعالان، رقابت در کاهش قیمت ها، افزایش کیفیت و تنوع محصولات، منافع مصرف کنندگان و عموم فعالان کسب و کار افزایش می یابد. دوم به تبع افزایش تعداد بنگاه های زیرمجموعه کسب و کارها، اشتغال مستقیم و غیرمستقیم این فعالیت افزایش و درآمد حاصل از این بازار بین تعداد بیشتری از افراد کشور توزیع می شود.

شایان ذکر است آنچه در خصوص رویه، ساختار و عملکرد کسب و کار مختلف توضیح داده شد، متأسفانه در بیشتر کسب و کارهای اقتصادی کشور مرسوم است. براین اساس مطالب فوق در جهت توجه به مسائل و مشکلات اساسی و ساختاری کسب و کارهای در چرخه اقتصادی کشور ارائه گردید تا با برطرف نمودن علل آنها، موجب تغییر رویه و اصلاح امور فراهم شود. در کل مشکلاتی در بسیاری کسب و کارها اقتصادی کشور مشاهده می شود که به تبع اقدام اشتباه متولی دولتی آن بخش، در عدم اولویت به منافع عموم مردم در برنامه ریزی و سیاست گذاری بوجود آمده، براین اساس اقدامات نامناسب متولی فعالیت کسب و کار خرده فروشی محصولات، نمونه خوبی برای آشنا شدن با موانع گسترش رقابت در عمده کسب و کارهای تولیدی کشور است. البته همان گونه که اذعان گردید این مشکل هم بر اشتغال نیروی کار کشور، هم بر توزیع درآمد و ثروت بین عموم مردم و همچنین توجه به رعایت حقوق مصرف کنندگان، نیز بسیار مؤثر است. اما همان گونه که اذعان شد، نهاد متولی دولتی اولویت اول را در سود آوری بنگاه های دارای مجوز قرار داده که ضرر و زیان گسترده ای برای اقتصاد کشور بوجود آورده است.

نهادهای، سازمان ها و ادارات دولتی امور اقتصادی کشور باید از عامه بنگاه های فعال در چرخه اقتصادی کشور در چارچوب اصول علم اقتصاد تا زمانی که در تضاد با منافع بلندمدت عامه مردم نباشد، حمایت اصولی و اساسی شود.

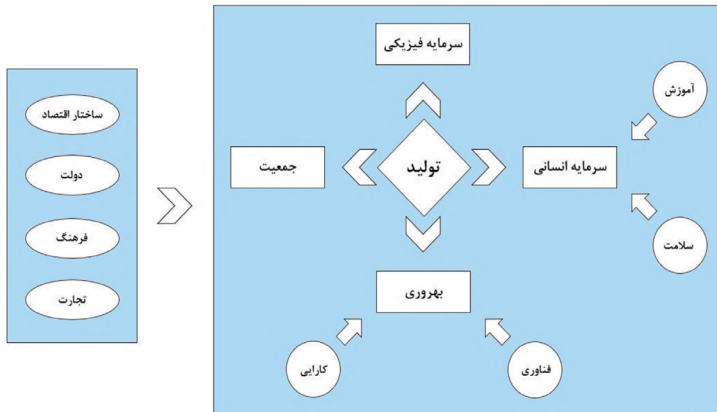


مدل مفهومی تولید



سید صالح اکبر موسوی (استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

شکل ۱: مدل مفهومی تولید



بحث رشد اقتصادی از دیرباز ذهن اقتصاددانان را به خود مشغول کرده است. آنچه که تحت عنوان رشد اقتصادی مطرح است، در واقع همان رشد تولید در طی معمولاً یک سال است و می توان آن را چنین تعریف کرد: افزایش بلندمدت ظرفیت تولید به منظور افزایش عرضه کل تا بتوان نیازهای جمعیت را تأمین کرد. لذا برای بررسی تولید، می بایست سراغ مدل های رشد اقتصادی رفت. تمامی مدل های رشد از یک تابع تولید پیروی می کنند که عموماً به شکل تابع تولید کاب داگلاس است. بر حسب این تابع، تولید به میزان سرمایه، نیروی کار و جزء ثابت دانش فنی (بهروری) بستگی دارد (البته ممکن است کمی متفاوت نیز باشد). در اینجا به منظور بررسی دقیق تر موضوع، به جای یک مدل فنی و تابع ریاضی، از یک مدل مفهومی برای نشان دادن متغیرها و عوامل مؤثر بر تولید استفاده شده است. این مدل در شکل شماره ۱ آمده است.

شکل فوق یک مدل مفهومی را برای تولید نشان می دهد. در ادامه هر یک از متغیرها و عوامل مؤثر بر تولید به صورت مختصر توضیح داده می شوند. در نهایت نیز توصیه هایی برای افزایش تولید در ایران ارائه خواهد شد.

همانند تمامی توابع تولید که به موضوع رشد اقتصادی اختصاص دارد، تولید تابعی از سرمایه فیزیکی است. منظور از سرمایه فیزیکی، زیرساخت های فنی، تجهیزات و ماشین آلات و ساختمان های مسکونی و غیرمسکونی است که در فرآیند تولید مورد استفاده قرار گرفته و یا قابلیت استفاده دارند. سرمایه فیزیکی در اقتصاد با سرمایه گذاری افزایش می یابد. سرمایه گذاری نیز یکی از اجزای تابع مخارج به عنوان یکی از روش های محاسبه GDP است. سرمایه گذاری می تواند هم از سوی دولت و هم از سوی مردم انجام شود. سرمایه گذاری از سوی دولت، هر ساله کم و بیش انجام می شود. اما سرمایه گذاری از سوی مردم، منوط به داشتن پس-انداز است. فردی که بتواند پس اندازی برای خود داشته باشد، می تواند با سرمایه گذاری آن در زمینه های مولد، ضمن کسب سود، به تولید جامعه خود نیز کمک کند. در این مسیر، بازارهای مالی و واسطه های مالی نظیر بانک و یا مشاوران اقتصادی می تواند نقش بسزایی داشته باشند.

تابع تولید همچنین تابعی از نیروی انسانی است. از این رو، می توان دو عامل سرمایه انسانی و جمعیت را در قالب متغیر نیروی کار توضیح داد. برای برقراری تعادل در مقدار نیروی کار، می بایست جمعیت با نرخ متعارفی در هر سال رشد کند تا میزان جمعیت فعال در هر دوره، حداقل ثابت بماند. چون نرخ رشد جمعیت تقریباً ثابت است (البته در ایران و در طی سال های اخیر رشد جمعیت کمتر شده است)، لذا زمانی که تابع تولید را مدل سازی می کنند، معمولاً اثر آن را نادیده گرفته و متغیرها را به شکل سرانه مطرح می کنند. اما توجه به این نکته ضروری است که صرف داشتن جمعیت زیاد، منجر به افزایش تولید نمی شود. چرا که در دنیای مدرن امروزی برای پیشرفت در تولیدات فناورانه، علاوه بر نیروی کار ساده، احتیاج به سرمایه انسانی هم است.

سرمایه انسانی به صورت دانش، شایستگی و مهارت های فردی یا گروهی که در طول زندگی کسب می شود، تعریف می گردد. بنابراین، سرمایه انسانی چیزی فراتر از نیروی کار ساده است. سرمایه انسانی را می توان از دو بُعد آموزش و سلامت بررسی کرد. از بُعد آموزش، برای نشان دادن سرمایه انسانی در ادبیات موضوع، از متغیرهایی نظیر نرخ ثبت نام در مدارس و آموزش عالی، نسبت سواد، متوسط سال های تحصیل و ... استفاده می شود؛

که معروف ترین آن که مورد تایید یونسکو نیز بوده، متوسط سال های تحصیل است. متوسط سال های تحصیل زیرمجموعه معینی از جمعیت، بیان می دارد که اگر یک فرد از بین زیرمجموعه جمعیتی انتخاب شود، به طور متوسط شمار سال های تحصیل وی چند سال است. این زیرمجموعه جمعیتی می تواند با توجه به موضوع مورد مطالعه نیروی-کار، جمعیت فعال، جمعیت ۱۵ تا ۲۵ ساله یا بالاتر و ... باشد.

سرمایه انسانی را می توان از بُعد سلامت نیز مورد بررسی قرار داد. به عبارت دیگر، زمانی که بُعد آموزش سرمایه انسانی مدنظر است، مهارت های ذهنی افراد مورد بررسی قرار می گیرد. اما زمانی که بُعد سلامت مطرح است، به توانایی های جسمی نیروی انسانی توجه می شود. تغذیه مناسب در کنار برخورداری از امکانات بهداشتی برای فرد و جامعه، می تواند سلامت جسمی نیروی انسانی را تضمین کند؛ که این امر نیز به نوبه خود، هم میزان توانایی افراد را برای کار کردن و هم تعداد نیروی انسانی سالم را افزایش می دهد.

هر دو آنها، می توانند موجب افزایش تولید را فراهم آورند. در همین دو سه سال اخیر، بحران کرونا در جهان نشان داد که داشتن نیروی کاری که بتواند به واسطه برخورداری از سلامت جسمی، کار مولد انجام دهد، تا چه حد برای اقتصاد کشور مهم و حیاتی است. بنابراین، هر چه میزان سرمایه انسانی (به لحاظ هر دو بُعد آموزش و سلامت) در یک کشور بالاتر باشد، می توان انتظار رشد تولید را در آن کشور داشت.

حضور دولت در اقتصاد به ساختار اقتصادی حاکم بر کشور بر می گردد. به طوری که برخی از اقتصاددانان معتقدند زمانی که اقتصاد از حالت تعادل خارج می شود، نیاز است که دولت جهت برگرداندن آن به تعادل وارد عمل شود؛ در غیر این صورت، دولت ها اغلب تولیدکننده کالاهای عمومی در کشورها هستند. یک نقش دولت که شاید گاهامورد غفلت نیز واقع می شود، عملکرد آن در توزیع منافع حاصل از رشد تولید است؛ که می تواند از این طریق فقر و نابرابری را کاهش دهد.





متغیرها و عوامل موثر بحث شده در بالا، به خوبی نشان می دهد که برای افزایش تولید می بایست در تمامی جنبه ها وارد عمل شد، نه صرفاً یک بعد خاص. می توان به زیرساخت های کشور توجه ویژه داشت تا از این طریق، ضمن کاهش اثرات نامطلوب استهلاک، بتوان سرمایه فیزیکی کشور را در زمینه تولید به خدمت گرفت. چه بسیار موجودی های سرمایه ای که به دلیل بی تدبیری مسئولین، سال هاست که خاک خورده و بلااستفاده مانده اند. احیاء همین سرمایه های فیزیکی و آوردن آنها در مسیر تولید می تواند منجر به رشد تولید کشور شود. توجه به آموزش در کنار سلامت به شکل جدی دنبال شود. در همین زمینه ذکر این نکته خالی از لطف نیست که بر اساس آمار پایگاه های داده بین المللی، متوسط سال های تحصیل در ایران حدود ۱۰ سال، و برای کشورهایی نظیر کره جنوبی و ژاپن، به ترتیب حدود ۱۲ و ۱۳ سال است. این موضوع نشان می دهد که ایران به لحاظ آموزش نیز از کشورهای پیشرفته آسیایی عقب است. همچنین به جای مخالفت بی مورد بر سر ورود فناوری از برخی از کشورهای پیشرفته، می توان با فراهم کردن مسیر ورود فناوری به کشور، موجبات ارتقاء بهره وری نیروی کار را فراهم آورد. تربیت مدیران کارآمد و کاربلد، برای مدیریت منابع و تخصیص بهینه آنها، منجر به این خواهد شد که کارایی نیروی انسانی و به دنبال آن، تولید افزایش یابد.

داشتن یک اقتصاد سالم، پویا و به دور از هر گونه جانب داری از افراد خاص و منافع آنها، در کنار تخصیص بهینه منابع به بخش های مختلف اقتصاد به دور از رانت و فساد، می تواند منجر به رشد تولید شود. عزل و نصب افراد شایسته در مشاغل حساس و خط فکری که این افراد در مجموعه های تحت امر خود ایجاد می کنند، می توانند زمینه ساز رشد تولید در کشور باشند. کم رنگ تر شدن نقش دولت در اقتصاد و توجه به بخش خصوصی آن هم به نحو صحیح، می تواند انگیزه تولید را در بین بخش خصوصی افزایش داده و با ایجاد یک فضای رقابتی بین بنگاه ها، در نهایت به رشد تولید محصولات باکیفیت منجر شود. در نهایت داشتن ارتباط مسالمت آمیز با سایر کشورهای جهان، از جنبه های زیادی می تواند به رشد و شکوفایی تولید محصولات داخلی و افزایش توان صادراتی کمک کند.

حضور دولت در اقتصاد به ساختار اقتصادی حاکم بر کشور بر می گردد. به طوری که برخی از اقتصاددانان معتقدند زمانی که اقتصاد از حالت تعادل خارج می شود، نیاز است که دولت جهت برگرداندن آن به تعادل وارد عمل شود؛ در غیر این صورت، دولت ها اغلب تولیدکننده کالاهای عمومی در کشورها هستند. یک نقش دولت که شاید گاهی مورد غفلت نیز واقع می شود، عملکرد آن در توزیع منافع حاصل از رشد تولید است؛ که می تواند از این طریق نقش و نابرابری را کاهش دهد.

فرهنگ به عنوان یکی دیگر از عامل بیرونی موثر بر تولید به شمار می رود. برای پی بردن به نقش فرهنگ در رشد تولید می تواند به این سوالات پاسخ داد: آیا سخت کوشی و داشتن پشتکار در نیروی کار کشور، همانند کشورهایی نظیر ژاپن و کره جنوبی، به شکل یک فرهنگ تداعی شده است؟ آیا فرهنگ جامعه و فضای تولید، این علاقه مندی را دارد که از ایده های جدید و فناوریانه استقبال کند یا به جهت به خطر افتادن منافع عده ای خاص، از این امر سر باز می زند؟ آیا اعتماد به دولت و سیاست های آن تا چه حدی به شکل فرهنگ اعتماد عمومی در جامعه در آمده است؟ آیا این موضوع که استفاده از تولیدات داخلی به جای کالاهای مشابه خارجی (به شرط برخورداری از کیفیت یکسان) به یک فرهنگ عمومی تبدیل شده است؟ آیا گرایش به پس انداز و سرمایه گذاری به جای مصرف گرایی بیش از حد، به صورت یک فرهنگ در آمده است؟ پاسخ به این سوالات و سوالاتی از این دست، نشان می دهد که چگونه فرهنگ حاکم بر یک کشور می تواند در افزایش تولید موثر باشد.

در نهایت، از تجارت می توان به عنوان مورد آخر نام برد. تجارت با دنیای خارج می تواند به انباشت نهاده های تولید از طریق سرمایه گذاری خارجی بیانجامد. همچنین می توان از طریق تجارت با دنیای خارج، نیروی کار متخصص را در تولید به کار گرفت یا اینکه نیروی کار را برای آموزش و کسب مهارت بیشتر به خارج از کشور فرستاد. تجارت با دنیای خارج می تواند زمینه های انتقال فناوری و دانش فنی تولید را به کشور فراهم کند، که آن هم به نوبه خود، می تواند زمینه ساز افزایش بهره وری عوامل تولید در کشور شود.

تجارت با دنیای خارج می تواند به انباشت نهاده های تولید از طریق سرمایه گذاری خارجی بیانجامد. همچنین می توان از طریق تجارت با دنیای خارج، نیروی کار متخصص را در تولید به کار گرفت یا اینکه نیروی کار را برای آموزش و کسب مهارت بیشتر به خارج از کشور فرستاد. تجارت با دنیای خارج می تواند زمینه های انتقال فناوری و دانش فنی تولید را به کشور فراهم کند، که آن هم به نوبه خود، می تواند زمینه ساز افزایش بهره وری عوامل تولید در کشور شود.

متغیر بعدی میزان بهره وری است. این عامل در مدل های رشد اقتصادی دهه ۱۹۵۰ (مدل های سولو و سوان (۱۹۵۶)) برونزا در نظر گرفته شده بود، که به معنای رشد نیز معروف است. تفاوتی که مدل های رشد درون زای دهه ۱۹۸۰ با این مدل ها داشتند، این بود که مدل های درون زای توانستند به نوعی این جزء باقیمانده سولو را مدل سازی کنند. مدل های رشد درون زای بهره وری را عامل رشد اقتصادی بلندمدت می دانند. بهره وری را می توان از دو جنبه فناوری و کارایی توضیح داد. زمانی که دانش فنی ارتقا یابد، به طوری که بتوان عوامل تولید را به نحوی ترکیب کرد که یا بتوانند تولید مورد نظر را با حداقل منابع تولید کنند، یا اینکه با منابع تولید موجود، بتوانند میزان تولید بیشتری را انجام دهند؛ می توان ادعا کرد که بهره وری افزایش یافته است. بنابراین می توان با ارتقاء دانش فنی و سطح فناوری موجود در کشور، بهره وری نیروی کار را افزایش داده و از این طریق به رشد تولید کمک کرد.

یک جنبه دیگر برای معرفی بهره وری، بحث کارایی است. کارایی به لحاظ تعریف اقتصادی یعنی تخصیص بهینه منابع و به لحاظ تعریف مدیریتی، یعنی انجام دادن درست کارها. در تویع تولید همواره به عوامل تولیدی نظیر زمین، نیروی کار و سرمایه اشاره می شود، اما برخی معتقدند که توان مدیریتی نیز یک عامل تولید است. به طوری که می توان با اتکا به دانش مدیریت، همانند دست نامرئی آدام اسمیت، منابع را در جهت افزایش تولید به صورت کارایی به کار بست؛ یا به عبارت دیگر، منابع را به شکل صحیح و درست تخصیص داد که همان عوامل تولید بتوانند کارا تر از گذشته به افزایش تولید کمک کنند. همچنین می توان مفهوم کارایی را این گونه بیان کرد که کارایی به میزان موثر بودن استفاده از نهاده های تولید و فناوری اشاره دارد.

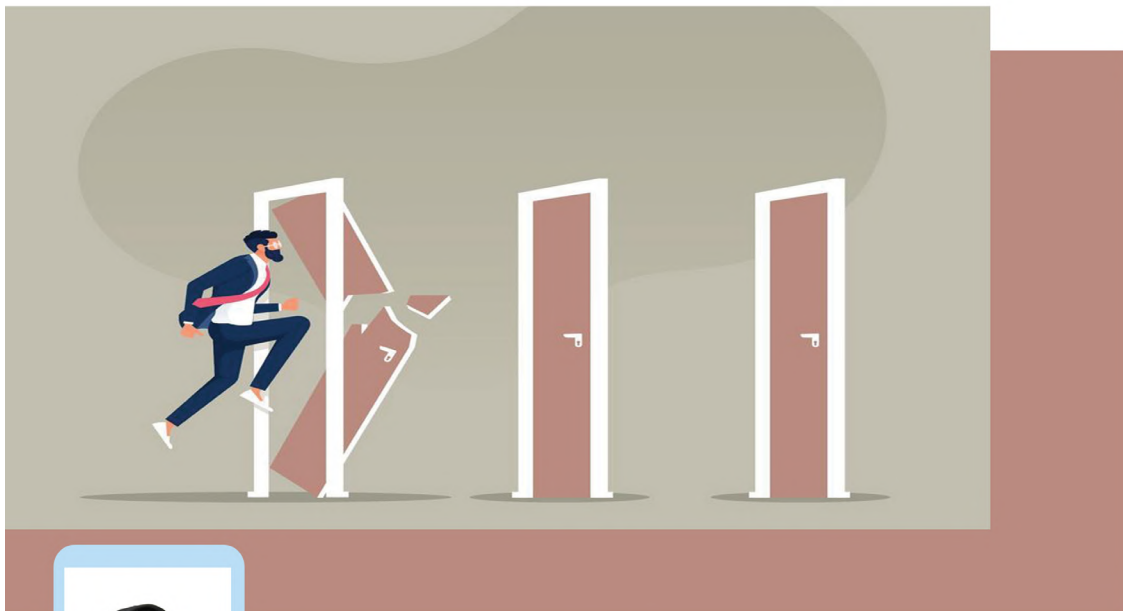
متغیرهای ذکر شده فوق، محیط درونی تولید را نشان می دهند. اما عواملی نیز خارج از این محیط قرار دارند که بر کلیت تولید و به ویژه بر بخش بهره وری و کارایی موثر هستند. این عوامل عبارتند از: ساختار اقتصاد، دولت، فرهنگ و تجارت. در خصوص ساختار اقتصاد می توان به سه سوال مهمی که همواره در اقتصاد مطرح است اینکه چه کالایی تولید شود؟ چگونه تولید شود؟ و چگونه توزیع شود؟ اشاره کرد. چرا که پاسخ همه آنها به ساختار اقتصاد بر می گردد. اینکه ساختار اقتصاد تا چه حدی دولتی یا خصوصی است، می تواند بر تولید اثرگذار باشد.





سرمایه مهم است!

موانع سرمایه گذاری شناسایی شود، رشد تولید به دنبال آن می آید!



فاطمه رجبی (استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

امنیت سرمایه گذاری:

سرمایه گذاری یک تصمیم بلندمدت است، تصمیم گیری برای آن مانند خرید دارایی نیست که به محض دریافت علامت کاهش بازدهی به جایگزینی دارایی اقدام کرد. بنابراین امنیت سرمایه گذاری و اطمینان از بازگشت در تصمیم به سرمایه گذاری بسیار موثر است. مطابق با گزارش پایش امنیت سرمایه گذاری که مرکز پژوهش های مجلس منتشر می کند در سال ۱۴۰۰ شاخص امنیت سرمایه گذاری در ایران ۶۱۶ بوده که نه تنها خود به تنهایی حکایت از ضعف در امنیت سرمایه گذاری کشور دارد، بلکه مولفه ها عمل مستولان ملی، استانی و محلی به وعده های داده شده به ترتیب به نمره ۸۳۱، ۸۲۸ و ۸۱۵ درک دولت مردان از اهمیت امنیت سرمایه گذاری را با تردید مواجه می کند. در همین راستای ثباتی قوانین و قوانین خلق الساعه جزء ثابت نارضایتی های فعالان اقتصادی است.

فضای کسب و کار:

محیط کسب و کار شامل نهادهای مقررات و رویه های اداری مترتب بر فعالیت های اقتصادی که بر هزینه های سرمایه گذاری موثر است. بهبود فضای کسب و کار هزینه های شروع و تداوم فعالیت های اقتصادی را کاسته و انگیزه های سرمایه گذاری را افزایش می دهد. شاخص سهولت محیط کسب و کار که توسط بانک جهانی تهیه می شود معیارهای دهگانه ای را برای اندازه گیری سهولت کسب و کار ملاک قرار می دهد. در سال ۲۰۲۰ در بین ۱۹۰ کشور ایران رتبه ۱۲۷ را داشته و عدد شاخص سهولت کسب و کار ۵۸۵ گزارش شده است. در بین زیرشاخص های سهولت کسب و کار نیز دسترسی به اعتبار و حمایت از سرمایه گذاری که مستقیماً بر سرمایه گذاری موثر است رتبه ۱۰۴ و ۱۲۸ را دارد. بنابراین فضای کسب و کار نیز در ایران در جهت تسهیل سرمایه گذاری نیست.

گذشته از خوانش های مختلف از الگوهای رشد، تمرکز این نوشتار بر آن است که نمی توان بدون توجه به اثبات سرمایه و حتی جبران سرمایه مستهلک شده، سیاست گذاری برای رشد تولید داشت. اگرچه نظریات جدید رشد نشان می دهند بکارگیری ایده ها و پیشرفت های فنی می تواند شرایطی را بوجود آورد که با رشد سرمایه صفر، رشد تولید مثبت داشت، اما فرض پنهان این نظریات حضور اقتصاد در مرز امکانات تولید است. یعنی اقتصاد تمام پتانسیل های عوامل تولید خود را بکار گرفته، از آن محصول خلق کرده و به حد مرزی تولید امکان پذیر رسیده است، حال عامل تولید جدید ایده ها و نوآوری ها را می کاود تا بیشتر خلق کند و بیافزیند.

با این نگاه، اقتصاد ایران را عدم تعادل ها توصیف می کنند. اقتصادی که نه تنها تمام امکانات تولید خود را بکار نمی گیرد که آنچه مستهلک می شود را هم جبران نمی کند. یعنی تلاشی در جهت حفظ امکانات تولید هم ندارد. چنانچه نه تنها روند رشد موجودی سرمایه نزولی است بلکه در سه سال گذشته رشد سرمایه منفی شده است. به عبارتی سرمایه گذاری انجام شده در اقتصاد حتی به اندازه جبران استهلاک نیست. این به معنای آن است که حتی اگر سایر عوامل موثر بر رشد فراهم باشد باز هر سال نسبت به سال قبل پتانسیل کمتری برای خلق محصول وجود دارد. بنابراین می توان ادعا کرد اگر ایران دغدغه رشد تولید دارد باید به دنبال شناسایی موانع سرمایه گذاری و راهکار برای ارتقاء عامل سرمایه باشد.

اگر در پی آن باشیم که موانع سرمایه گذاری در اقتصاد ایران را شناسایی کنیم عمده ترین آن ها را می توان امنیت پایین سرمایه گذاری، فضای کسب و کار ضعیف، تامین مالی و نقش غیرموثر دولت را بر شمرد.

در اقتصاد ایران برای رشد تولید، عامل تولید سرمایه حیاتی است. افزایش تشکیل سرمایه و ترکیب عامل سرمایه با سایر عوامل تولید، رشد تولید را به دنبال خود خواهد آورد.

رشد محدود تولید به یکی از چالش های اقتصادی ایران بدل شده است؛ چنانچه خروج از تله رشد پایین، دغدغه سیاست گذاری در ایران را شکل می دهد. درعین حال، برای شناخت موانع و ارائه راهکار درباره رشد تولید ابتدا باید درک صحیحی از موضوع رشد حاصل شود. عوامل متعددی بر تولید و رشد آن اثرگذار است و بنابراین، با ابزارهای متفاوتی می توان به عوامل موثر و موانع نگریست. در این نوشتار از منظر نظریات رشد به موانع تولید در اقتصاد ایران نگاه می شود. به این منظور خالی از فایده نیست که نگاه مختصری بر نظرات رشد ارائه شود.

مدل رشد سولو، عوامل تعیین کننده تولید را نهادهای یعنی کار و سرمایه، و پیشرفت فنی می داند. پاسخ این مدل برای چگونگی تحقق رشد دائمی تولید، پیشرفت فنی است. پیشرفت فنی در این مدل نیز مقوله ای به گستردگی ارتقا فناوری، افزایش بهرهوری عوامل تولید، کارآمدی مدیریت خصوصی و عمومی و هر عامل موثر دیگری که بتواند امکان دستیابی به محصول بیشتر از میزان نهاده های معین را فراهم کند، است. پس از آن مدل های رشد درونزا به تدقیق عامل پیشرفت فنی پرداختند که در مدل سولو به مثابه جعبه سیاهی بود که تمام عوامل موثر اقتصادی و غیراقتصادی را در خود گنجاند بود. مطالعات مختلف متمرکز بر ایده رشد درونزا، عوامل متفاوتی را نظیر سرمایه انسانی، آموزش حین کار، نوآوری، تحقیق و توسعه و حتی نهادهای شناسایی کردند.

در عین حال، آنچه در تمام الگوهای رشد با تمام تفاوت هایشان نقش اصلی را ایفا می کند، عامل تولید سرمایه است. منظور از نقش اصلی سرمایه این که است رشد تولید تابعی از رشد سرمایه است و مدل های رشد حول این موضوع تکامل یافته اند که تحول رشد سرمایه و عوامل موثر بر بازدهی بیشتر سرمایه چگونه است. به عنوان مثال، یادگیری حین کار باعث می شود نیروی کار با بهرهوری بالاتر عامل تولید سرمایه را بکار گیرد و محصول بیشتری خلق کند. پیشرفت فناوری از شدت نزولی بودن بازدهی نسبت به مقیاس سرمایه بکاهد و امکان خلق محصول بیشتر در زمان طولانی تر فراهم کند. به طور کلی اثر عامل پیشرفت فنی در سرمایه سرریز می شود و حاصل، تحقق تولید بیشتر و مداوم است.





تامین مالی:

در اقتصاد ایران تامین مالی سرمایه‌گذاری بانک محور است. نرخ بهره در بازار رسمی پول ۲۰ تا ۲۵ درصد و در بازار غیررسمی پول به ۵۰ درصد هم می‌رسد. نرخ بهره بالا هزینه آشکار و هزینه فرصت تامین مالی را گران می‌کند. سرمایه‌گذاری و به‌دنبال آن فعالیت تولیدی با ریسک همراه است و هزینه تامین مالی بالای آن، عوامل اقتصادی را به سمت فعالیت‌های رقیب تولید سوق می‌دهد. علاوه بر این سهم فعالیت‌های مرتبط با تولید نیز از تسهیلات بانکی به‌طور مداوم در حال کوچک‌تر شدن است و جای خود را به فعالیت‌های رقیب تولید می‌دهد. مقررات‌گذاری و قواعد بازی در اقتصاد ایران به شکلی تعریف شده است که بازدهی فعالیت‌های رقیب تولید بسیار بالاتر از بازدهی سرمایه‌گذاری و به‌دنبال آن فعالیت‌های تولیدی است. این موضوع باعث می‌شود سرمایه‌گذاری سهم کمی از مانده‌های پولی در اقتصاد داشته و تامین مالی یکی از چالش‌های اصلی سرمایه‌گذاری باشد. با این نگاه شاید ادعای فریدمن که تورم همیشه و همه جا پولی است محل اختلاف اقتصاددانان باشد، اما به‌نظر می‌رسد مقررات‌گذاری و قواعد بازی در اقتصاد ایران باعث شده نه تنها سرمایه‌گذاری که همه متغیرهای حقیقی در ایران پولی باشند.

نقش دولت:

بخشی از سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصاد به‌دلیل ماهیتی که نظیر کالاهای عمومی، یا به‌دلیل هزینه‌های بالای احداث توسط بخش خصوصی انجام نمی‌شود. اما این گروه از سرمایه‌گذاری‌ها نقش قابل‌توجهی در تسهیل سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی دارد. زیرساخت‌ها نظیر راه‌ها و بزرگراه‌ها، حمل‌ونقل ریلی، سیستم آب‌رسانی و توزیع انرژی، فرودگاه‌ها و غیره نمونه‌های از این گروه سرمایه‌گذاری‌ها است. دولت‌ها به‌منظور تسهیل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی لازم است سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی را انجام دهد یا تامین مالی کند. از این منظر نیز اقتصاد ایران با چالش زیرساخت مواجه است و هر رشته فعالیتی در زیرساخت های مورد نیاز خود با چالش مواجه است.

آنچه در تمام الگوهای رشد با تمام تفاوت هایشان نقش اصلی را ایفا می‌کند، عامل تولید سرمایه است. منظور از نقش اصلی سرمایه این که است رشد تولید نابیی از رشد سرمایه است و مدل‌های رشد حول این موضوع تکامل یافته‌اند که تحول رشد سرمایه و عوامل موثر بر بازدهی بیشتر سرمایه چگونه است.



نکته‌هایی در باره نحوه حمایت از سرمایه‌گذاران

راه کارهای پیشنهادی حمایت از سرمایه‌گذاران

در راستای برنامه ها و اهداف توسعه ای کشور، ضروری است اقداماتی در ارتباط با حمایت از سرمایه گذار صورت گیرد. از جمله راهکارهای پیشنهادی جهت بهبود رتبه ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- * ایجاد شفافیت در اندازه سهامداران و میزان منافع مدیران شرکت با هدف آگاهی سرمایه گذاران از جایگاه و میزان سهام خود؛
- * رایج گزارش های ادواری از فعالیت ها و صورتحساب های شرکت (ترازنامه، صورت سود و زیان و ...)
- * ایجاد اطمینان خاطر برای سرمایه گذاران کوچک
- * دعاوی احتمالی آنها در محاکم قضایی و حقوق رسمی کشور در مواقع ضروری؛
- * طراحی سازوکارهای نظارتی و حمایتی از طریق اتحادیه ها یا تشکل های صنفی جهت صیانت از حقوق تمامی سهامداران و سرمایه گذاران بویژه سرمایه گذاران کوچک؛
- * حمایت از حقوق سرمایه گذاران خرد و کلان اقتصادی و ظرفیت های سرمایه گذاری جهت افزایش اعتماد سرمایه گذاران نسبت به سرمایه گذاری؛
- * تدوین دستورالعمل های لازم جهت تعریف وظایف مشخص برای مدیران شرکت ها و نظارت بر عمل طبق وظایف؛
- * الزام به وجود ناظر (بازرس) بیرونی در خصوص انجام مبادلات مخاطره آمیز با اشخاص وابسته؛
- * فراهم آوردن بسترهای لازم جهت دسترسی سهامداران به مستندات شرکت پیش از قضاوت و در جریان آن؛
- * بازنگری در قانون تجارت و قانون آیین دادرسی مدنی و انجام اصلاحات لازم.

تنها در سه کشور عربستان، تاجیکستان و مصر تدابیر لازم جهت دسترسی به تمامی مستندات شرکت پیش از محاکمه اندیشیده است با این حال، در هیچ یک از کشورها سهامداران اجازه دسترسی به مستندات شرکت در جریان قضاوت را ندارند.

در ۵۰ درصد کشورها عربستان، تاجیکستان، عمان، لبنان، سوریه، الجزایر، بحرین و قطر) انجام مبادله با اشخاص وابسته مستلزم تصویب قانونی است.

در ۵۰ درصد کشورها عربستان، تاجیکستان، لبنان، مصر، ترکیه، الجزایر، بحرین و یمن) نظارت بیرونی بر انجام مبادلات با اشخاص وابسته الزامی است.

در مجموع ۸ اصلاح در کشورهای منتخب منطقه در ارتباط با حمایت از سرمایه گذار صورت گرفته است که عمده اصلاحات را می توان در قالب راه اندازی نهاد مستقل جهت ارزیابی مبادلات میان گروه های ذینفع پیش از انجام معامله و افشای اطلاعات مربوط به معاملات برشمرد.

در کشور تاجیکستان در کنار اقدامات برشمرده فوق اقداماتی در راستای تسهیل دادخواست سهامداران و اقامه دعوی علیه مدیران شرکت نیز انجام شده است که خود میتواند دلیلی بر بهبود ۴۱ رتبه ای آن باشد.

عربستان سعودی با رتبه جهانی ۱۹ در جایگاه اول در میان کشورهای منتخب منطقه کشورهای تاجیکستان (رتبه ۲۵) و کویت (رتبه ۲۹) در جایگاه دوم و سوم قرار دارند. ایران با رتبه جهانی ۱۵۰ جایگاه ۱۵ منطقه را به خود اختصاص داده است. ایران به رغم بهبود ۱۷ رتبه ای هنوز هم تا رسیدن به بهترین عملکرد منطقه (کشور عربستان با رتبه جهانی ۱۹) فاصله بسیاری دارد.

حمایت از سرمایه گذاران یکی از ارکان شاخص کسب و کار است که از میانگین سه زیر شاخص میزان افشای اطلاعات، درجه مسئولیت پذیری مدیر و سهولت دادخواست سهامداران محاسبه میشود.

رتبه جهانی ایران در حمایت از سرمایه گذاران در سالهای ۲۰۰۹-۲۰۱۲ نزول داشته است (از ۱۶۴ به ۱۶۷) اما یک باره به سبب تصویب دستورالعمل «الزامات افشای اطلاعات و تصویب معاملات اشخاص وابسته به ناشران بورسی و فرابورسی» در سالهای ۲۰۱۲-۲۰۱۳ رتبه ایران با ۱۷ پله صعود از ۱۶۷ به ۱۵۰ کاهش یافت.

به لحاظ زیر شاخص های محاسبه شاخص حمایت از سرمایه گذار نیز به استثنای افزایش ۷ امتیازی زیرشاخص افشای اطلاعات دو زیرشاخص دیگر (درجه مسئولیت پذیری مدیر و سهولت دادخواست سرمایه گذاران) بدون تغییر بوده است.

در هیچ یک از سالهای مورد بررسی تمهیدات لازم جهت تسهیل رایج دادخواست توسط سهامداران اندیشیده نشده است که می تواند یکی از مهم ترین دلایل نامناسب بودن جایگاه ایران در حمایت از سرمایه گذاران باشد.

عملکرد ایران در حمایت از سرمایه گذاران در دوره زمانی ۲۰۰۶-۲۰۱۲ در سطح ۵/۳۱ ثابت بوده است. در سال ۲۰۱۳ با تصویب دستورالعمل افشای اطلاعات، این امتیاز با ۳ واحد افزایش به ۱/۳۸ رسیده است.

تنها در شش کشور عربستان، تاجیکستان، کویت، عمان، سوریه و ترکیه الزامات مرتبط با افشای اطلاعات تفصیلی وجود دارد. در هیچیک از کشورهای مورد بررسی وظایف مشخصی برای مدیران تعریف نشده است این امر میتواند سبب انجام سلیقه ای وظایف از سوی مدیران و عدم پاسخگویی آنها شود. ۵۰ رصد کشورها عربستان، تاجیکستان، کویت، عمان، مصر، یمن، قطر و امارات) لغو مبادلات مخاطره انگیز با اشخاص وابسته مجاز دانسته شده است.

برگرفته از نشریه «تابا»، شماره ۱۲۵ به تاریخ ۲۷ دیماه ۱۳۹۲



بهبود شاخص های محیط کسب و کار از عوامل کلیدی موثر بر رشد اقتصادی

وی مهمترین مشکلات مطرح شده از سوی فعالان اقتصادی و صنعتی را به ترتیب در حوزه بانکی، مالیات، صادرات و واردات و فروش و بازارهای داخلی عنوان و آماری در خصوص واحدهای راکد و دامنه فعالیت پایین تر از ۵۰ درصد از ظرفیت پناگاههای فعال در کشور را ارائه نمود.

این کارشناس امور سیاستگذاری ادامه داد: از کل واحدهای صنعتی کشور حدود ۱۵ درصد راکد و ۲۲ درصد پایین تر از ۵۰ درصد ظرفیت فعال می باشند. ایشان رفع موانع شناسایی شده و موضوع دسترسی به بازارها را از مهمترین راهکارهای افزایش بهره برداری از منابع و ظرفیت های بلااستفاده که سرمایه عظیمی را به خود اختصاص داده است، عنوان نمود.

لزوم مدیریت قوانین برای کاهش اثر تحریم ها

علیمردان شیبانی، عضو هیات مدیره انجمن صنایع نساجی ایران در این نشست، صنعت نساجی را یکی از صنایع با ظرفیت اشتغالزایی و ارزش افزوده بالا در میان سایر صنایع کشور ذکر کرد و گفت: در زنجیره ارزش محصولات نساجی ترکیبی از نهادهای داخلی و وارداتی مورد استفاده قرار می گیرد. در این راستا عوامل موثر بر تولید زنجیره تامین و ارزش نساجی به دو گروه تحریم های داخلی و بین المللی تقسیم می شوند.

وی ضریب اهمیت و تاثیر تحریم های بین المللی را بر صنعت بویژه در حوزه تامین مواد اولیه و همچنین دسترسی به بازارهای مالی و نحوه مبادلات کالا و پول را بسیار پیچیده ارزیابی کرد و افزود: در کنار تحریم های بین المللی، عدم مدیریت قوانین و مقررات داخلی که و فرایندهای مرتبط با زنجیره تولید از سوی مجریان قانون در جهت کاهش اثر تحریم های بین المللی، بسیار ضعیف بوده است.

شیبانی اظهار کرد: در برخی موارد غلبه بر موانع داخلی برای پناگاه ها بسیار سخت تر از غلبه بر موانع بین المللی است. در این راستا برنامه ریزان باید همت خود را برای کاهش اثر تحریم های بین المللی و تسهیل شرایط تولید فعالان اقتصادی فراهم سازند تا چرخه تولید با ریتم منظم تر و قابل پیش بینی تری به حرکت خود ادامه دهد.

وی از جمله الزامات و ابعاد مورد نیاز برای بهبود وضعیت بازرگانی داخلی کشور در مسیر اجرای برنامه هفتم توسعه را شناخت ریشه چالش های محیط کسب و کار، درک روابط علی و معلولی (با تاکید بر چرایی وجود واحدهای صنفی بدون جواز، دستفروش ها، نقش کالای قاچاق در تامین طرف تقاضا و...)، ارزیابی اثرات مقررات گذاری در چارچوب هزینه و منفعت برای کلیه بازیگران (اعم از صاحبان کسب و کار یا مصرف کنندگان و سایر ذی نفعان) و الزام تبعیت برنامه های بودجه سالانه از قوانین برنامه ۵ ساله توسعه و اهمیت و توجه به نقش آموزش و فرهنگ سازی در کلیه حوزه ها بویژه حقوق مالکیت و حقوق مصرف کنندگان عنوان کرد.

وی با اشاره به احکام برنامه هفتم توسعه گفت: دولت موظف است در یک سازمان و نهاد فرابخشی ارزیابی کلیه مقررات و مصوبات پیش از نهایی و اجرا شدن را در چارچوب منفعت و هزینه (آشکار و ضمنی) انجام دهد. (ظرفیت سازی دولت ها و تمرکز ذینفعان بر تجزیه و تحلیل، طراحی، اجرا و نظارت بر اصلاحات محیطی کسب و کار). همچنین دولت کنترل و پایش قیمت کالاها و خدمات در بازار اعم از فیزیکی و اینترنتی را به گونه ای مدیریت کند که آثار مداخله در فعالیت کسب و کارها به حداقل ممکن برسد. بازنگری در شیوه قیمت گذاری و تقویت زیرساخت های رهگیری کالا در زنجیره عرضه از جمله اقدامات اساسی این رویکرد می باشد.

وی ادامه داد: با عنایت به ریسک بالای فعالیت در کشور، دولت و برنامه ریزان باید شناسایی دوره ای از فعالیت های پرریسک و حمایت های بیمه ای و سایر حمایت هایی که اثر بازدارندگی ریسک بر ادامه فعالیت صاحبان کسب و کار را به حداقل رساند در دستور کار قرار دهند و در برنامه بودجه سالانه ظرفیتی برای پوشش اعتبارات این حوزه در نظر بگیرد.

لزوم دسترسی به بازارها برای افزایش بهره برداری از منابع

در ادامه نشست صمیمی یک روزه رئیس سابق ستاد تسهیل و رفع موانع تولید به بیان مشکلات و موانع مقابل پناگاه های تولیدی پرداخت و بر اهمیت برنامه ریزی برای رفع این موانع که بخشی از آن ریشه در نامتوازی قوانین و مقررات و بخشی دیگر به نحوه اجرای مقررات وضع شده مربوط می شود را مورد تاکید قرار داد.

موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، بطور مستمر اقدام به برگزاری میزگردهای تخصصی در باره مسائل اقتصادی مهم و مبتلابه کشور می کند. یکی از این نشست ها با موضوع «چالش های محیط کسب و کار در ایران» با حضور دکتر صدیف بیگ زاده، کارشناس امور سیاستگذاری، علیمردان شیبانی به عنوان عضو هیات مدیره انجمن صنایع نساجی ایران و دکتر فهیمه بهرامی عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی در محل این موسسه برگزار شد.

اهمیت توجه به آموزش، فرهنگ سازی و حقوق مالکیت

در ابتدای نشست فهیمه بهرامی، دبیر نشست به تبیین اهمیت محیط کسب و کار در بهبود شرایط تولید و همچنین بیان وضعیت ایران در شاخص های کسب و کار به استناد گزارش های بین المللی و داخلی پرداخت.

وی با اشاره به تبیین وظایف بازرگانی داخلی در رشد و توسعه اقتصادی کشور بر تسریع و تسهیل فرایندهای مربوط به آغاز و دوام فعالیت های تولیدی و خدماتی، تنظیم و اجرای سیاست ها، خط مشی ها و مقررات بازرگانی کشور؛ بهبود عملکرد و کمک به ارتقای فضای رقابتی در بازار کالا و خدمات؛ رصد و پایش میزان نیاز و راههای تامین کالا و خدمات؛ بررسی و ایجاد هماهنگی های لازم در توزیع کالاهای مورد نیاز عمومی؛ بررسی و نظارت موثر در راستای کنترل قیمت؛ نظارت بر توسعه و تجهیز شبکه توزیع کشور و رعایت مسائل مربوط به اصلاح الگوی مصرف، امنیت غذایی و کنترل و کاهش ضایعات در زنجیره تامین و حفظ حقوق مالکیت تولیدکنندگان و حقوق مصرف کنندگان نیز در حد مطلوب تاکید کرد.

بهرامی با بیان گستردگی دامنه وظایف و نقش کلیدی بازرگانی داخلی کشور گفت: از آنجا که بازرگانی داخلی کشور بستر کلیدی برای تولید و صادرات کشور است و با عنایت به این حقیقت، اکثر قوانین و مقررات وضع شده از بستر بازرگانی داخلی تاثیر خود را بر شاخص های کلان اقتصادی می گذارند از این رو بهبود شاخص های محیط کسب و کار از فاکتورهای مهم در فراهم آوردن زمینه برای بهبود شاخص های کلان اقتصادی و بویژه موضوع کاهش بهای تمام شده کالا و خدمات و همچنین رشد اقتصادی قلمداد می شود.





حسن ثاقب (استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

قابلیت ها و توانمندی های صنایع تولیدی ایران

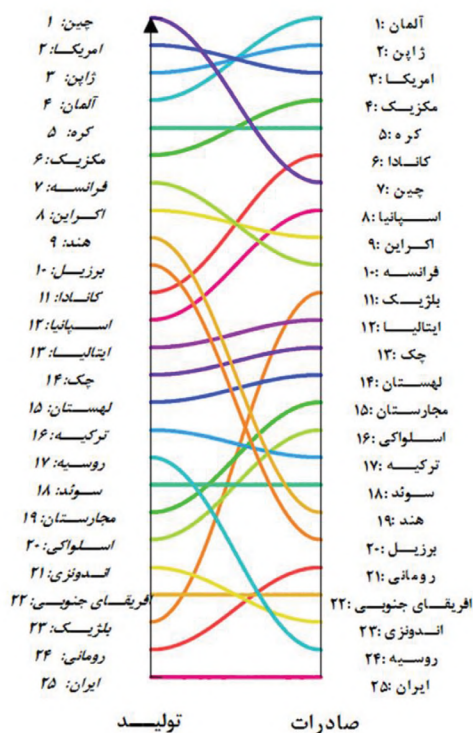
ارزیابی رشته فعالیت های تولیدی بر اساس رویکردهای پیچیدگی اقتصادی و فضای محصول

بررسی و مطالعه وضعیت تولید و تجارت صنایع تولید و وسایل نقلیه موتوری (کد آیسیک ۳۴) نشان می دهد که متوسط ارزش تولید جهانی صنعت تولید وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر یا همان صنایع خودروسازی (کد آیسیک ۳۴) طی سه سال ۲۰۱۶-۲۰۱۴ برابر با ۴۰۳۵ میلیارد دلار و متوسط ارزش صادرات جهانی محصولات مرتبط نیز برابر با ۱۶۲۵ میلیارد دلار بوده است. این حجم از تولید و صادرات مربوط به حدود ۹۷۵۰۱ بنگاه فعال در سطح جهان است.

در حالی که ۲۵ کشور مختلف جهان در مجموع بیش از ۹۷ درصد ارزش تولیدات صنایع خودروسازی را به خود اختصاص داده اند، پنج کشور چین (۱۱۴۷ میلیارد دلار)، آمریکا (۶۲۸ میلیارد دلار)، آلمان (۵۲۶ میلیارد دلار)، ژاپن (۴۳۱ میلیارد دلار) و کره جنوبی (۱۷۲ میلیارد دلار) با اختصاص ۲۹۰۰ میلیارد دلار بیش از ۷۲ درصد تولید جهانی و پنج کشور آلمان (۲۶۳ میلیارد دلار)، ژاپن (۱۴۴ میلیارد دلار)، آمریکا (۱۲۷ میلیارد دلار)، مکزیک (۹۷ میلیارد دلار) و کره جنوبی (۷۲ میلیارد دلار) با اختصاص ۷۰۳ میلیارد دلار بیش از ۴۳ درصد صادرات جهانی را در اختیار دارند. ایران با تولیدی به ارزش ۱۷۳ میلیارد دلار (رتبه ۲۵)، در صادرات به میزان ۲۹۰ میلیون دلار (رتبه ۵۶)، عملکرد قابل توجهی نداشته است.

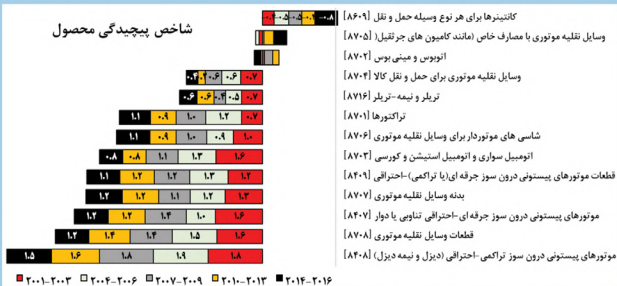
مطابق این رویکردها بایستی توجه داشت که درجه پیچیدگی گروه های کالایی در هر رشته فعالیت صنعتی با یکدیگر متفاوت می باشد؛ به عبارت دیگر درون هر رشته فعالیت صنعتی درجه پیچیدگی تعدادی از محصولات مثبت و درجه پیچیدگی تعدادی نیز منفی می باشد. بر این اساس قدرت رشد افزایی محصولات هر یک از رشته فعالیت های صنعتی متفاوت است. بطور مسلم اگر در برنامه ریزی های بخش صنعت تسريع رشد اقتصادی مدنظر سیاست گذاران باشد بایستی محصولات با درجه پیچیدگی بالا برای این منظور انتخاب شوند. علاوه بر این، درجه پیچیدگی رشته فعالیت های صنعتی نیز با یکدیگر متفاوت است. مثلاً، درجه پیچیدگی اغلب محصولات مربوط به رشته فعالیت زغال کک - پالایشگاه های نفت و سوخت های هسته ای بسیار پایین (منفی) می باشد، در مقابل درجه پیچیدگی اغلب محصولات رشته فعالیت تولید ماشین آلات مولد و انتقال برق و دستگاه های برقی مثبت می باشد. بنابراین قدرت رشد افزایی رشته فعالیت های صنعتی از منظر شاخص پیچیدگی اقتصادی با یکدیگر متفاوت می باشد. شاخص چگالی از دیگر معیارهای شناسایی محصولات در این رویکرد می باشد که احتمال عملیاتی شدن فرایند تولید و صادرات یک محصول را در یک کشور نشان می دهد. در واقع، این شاخص نشان می دهد چند درصد از قابلیت های مورد نیاز یک صنعت در اقتصاد داخلی فراهم شده است. مقدار عددی شاخص چگالی بین صفر تا ۱۰۰ در نوسان می باشد و بزرگتر بودن آن، امکان و احتمال بالاتر تولید و صادرات همراه با وجود مزیت نسبی آن محصول در اقتصاد یک کشور را نشان می دهد.

مطابق نمودار زیر، مقادیر شاخص پیچیدگی (بین -۳ تا ۳) برای ۱۳ گروه کالایی (چهار رقمی HS) محاسبه شده است این شاخص برای سه گروه کالایی کانتینرها برای هر نوع وسیله حمل و نقل (کد HS ۸۶۰۹)، اتوبوس و مینی بوس (کد HS ۸۷۰۲) و وسایل نقلیه موتوری (کد HS ۸۷۰۵) منفی و برای سایر گروه های کالایی مثبت است.



تولید و صادرات

شاخص پیچیدگی محصول



گروه های کالایی موتورهای پیستونی درون سوز تراکمی-احتراقی (دیزل و نیمه دیزل) [کد HS ۸۴۰۸] و قطعات وسایل نقلیه موتوری [کد HS ۸۷۰۸] بیشترین درجه پیچیدگی دارند. در این میان، هرچند درجه پیچیدگی اتومبیل سواری، اتومبیل استیشن و کورسی [کد HS ۸۷۰۳] برابر با قطعات وسایل نقلیه موتوری [کد HS ۸۷۰۸] است اما طی زمان از میزان پیچیدگی آن کاسته شد که حاکی از فراگیر شدن تولید اتومبیل سواری، اتومبیل استیشن و کورسی بین تعداد بیشتری از کشورهای جهان است.

با استفاده از رویکردهای فضای محصول (Product Space) و پیچیدگی اقتصادی (Eco-nomic Complexity) و شاخص های مربوط، می توان یک اولویت بندی از محصولات زیرمجموعه هر یک از رشته فعالیت ها جهت سیاست گذاری در جهت تولید و تجارت ارائه کرد. پیچیدگی هر محصول به دانش مولد انباشته شده در هر کالا اطلاق می شود. دانش مولد نیز به فوت و فن و مهارت های نهفته در هر کالا گفته می شود. بر اساس مبانی این رویکرد، محصولات پیچیده بدلیل برخورداری از محتوی قابلیت متنوع تر و پیشرفته تر، اغلب توسط کشورهای توسعه یافته، تولید و صادر می شوند. به همین دلیل، تولید و صادرات این محصولات توسط هر کشوری، آثار رشد افزایی بالاتری بدنبال خواهند داشت.



توصیه‌ها

۱. بررسی وضعیت پیچیدگی صنعت تولید وسایل نقلیه موتوری برای ۲۵ کشور عمده تولیدکننده نشان می‌دهد که صنایع خودروسازی کشورهای اسلواکی، مجارستان، مکزیک و ژاپن در رتبه‌های نخست و در مقابل ایران، روسیه و چین در پایین‌ترین رتبه قرار دارند.

۲. تجزیه و تحلیل صنعت تولید وسایل نقلیه موتوری در چارچوب رویکرد پیچیدگی و فضای محصول نشان می‌دهد که کشور آلمان در بیشتر گروه‌های کالایی بین ۹۷ تا ۱۰۰ درصد قابلیت‌های مورد نیاز برای تولید محصول را در اقتصاد ملی خود فراهم ساخته است. همچنین در خصوص کشورهایی مانند آمریکا، فرانسه، لهستان، ایتالیا، اسپانیا، سوئد و جمهوری چک نیز بیش از ۷۰ درصد از این قابلیت‌ها برای اغلب گروه‌های کالایی ایجاد شده است. در این میان، کشور چین با وجود حجم بالای تولید برای اغلب گروه‌های کالایی توانسته این قابلیت‌ها را تا حدود ۵۰ درصد فراهم کند.

۳. در میان ۲۵ کشور برتر در تولید محصولات صنایع خودروسازی، پنج کشور هند، افریقای جنوبی، روسیه، اندونزی و ایران کمترین قابلیت برای توسعه و صادرات محصولات این صنعت داشته و نامناسب‌ترین جایگاه مربوط به ایران است.

۴. بیشترین قابلیت‌ها برای توسعه صنعت تولید وسایل نقلیه موتوری ایران به ترتیب برای تریلر و نیم‌تریلر [کد HS ۸۷۱۶]، وسایل نقلیه موتوری برای حمل و نقل کالا [کد HS ۸۷۰۴]، قطعات وسایل نقلیه موتوری [کد HS ۸۷۰۸]، تراکتورها [کد HS ۸۷۰۱] و بدنه وسایل نقلیه موتوری [کد HS ۸۷۰۷] ایجاد شده است. اما برای اولویت اول (تولید تریلر و نیم‌تریلر) تنها ۱۶ درصد از قابلیت‌ها و توانمندی‌های مورد نیاز ایجاد شده است. این در حالی است که برای این گروه کالایی در کشورهای پیشرو مانند آلمان، ۹۵ درصد، کانادا، ۸۴ درصد، آمریکا ۷۹ درصد، مکزیک ۶۱ درصد از این قابلیت‌ها ایجاد شده است. میزان قابلیت‌ها و توانمندی‌های ایجاد شده در ایران برای تولید و صادرات دیگر گروه‌های کالایی کمتر است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که در مورد وسایل نقلیه موتوری برای حمل و نقل کالا ۱۰ درصد، قطعات وسایل نقلیه موتوری ۹ درصد، بدنه وسایل نقلیه و همچنین تراکتورها تنها ۵ درصد از این قابلیت‌ها و توانمندی‌ها ایجاد شده است.

۵. ایجاد قابلیت‌ها و توانمندی‌های لازم برای تولید وسایل نقلیه موتوری ایران نیاز فراهم‌سازی شرایط در سطح کلان کشور و همچنین در درون صنعت به شرح زیر است:

- * ثبات نسبی و پیش‌بینی پذیر بودن متغیرهای کلان اقتصادی
- * ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری و کاهش ریسک
- * ایجاد سازوکاری برای پوشش ریسک نوسانات نرخ ارز
- * مدیریت بازار سرمایه در تامین مالی تولید و هدایت سرمایه‌ها به این بخش تولیدی
- * ارتقای رقابت‌پذیری صنعت خودرو مبتنی بر توسعه فناوری‌های نوظهور و زیست بوم نوآوری باز
- * توسعه متوازن زنجیره ارزش با تمرکز بر حلقه‌های طراحی، خدمات مهندسی و تست و آزمون‌های تخصصی
- * تعمیق ساخت داخل با اجرای نظام رتبه‌بندی و شکل‌گیری تامین‌کنندگان FSS
- * تقویت جایگاه برند/برندهای ملی در بازارهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی
- * ایجاد زمینه مناسب برای هم‌پیوندی با زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای و جلب مشارکت‌های بین‌المللی

نشریه دیجیتال «بازار نا بازار» شامل تازه‌ترین دیدگاه‌ها و گزارش‌های تحلیلی پژوهشگران و کارشناسان موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی در موضوعات تخصصی و روز کشور است و لزوماً دیدگاه رسمی و سازمانی این موسسه به حساب نمی‌آید.

شناسنامه نشریه

مدیر مسئول: دکتر احمد تشکینی
تامین محتوای: فائزه کیانی
گرافیکست و صفحه‌آرا: ماهورا موسوی
عکاس: امیر محسن باسحا